

درباره سیستم مدیریت بومی چهار عنصر در بوم‌گردی‌ها

«آخشیگان» در بوم‌گردی

برای درک مسیری که بوم‌گردی‌ها در سه دهه اخیر طی کرده‌اند نیاز به مطالعه عمیق مفهوم «آخشیگان» است. تئوری مطرح شده توسط «کیارش اقتصادی» اگرچه هیچ‌وقت جایگاهی در نظام ارزش‌گذاری وزارت میراث فرهنگی پیدا نکرد؛ اما یک راه حل درخور است که می‌توانست منجر به رشد این حوزه شود.

در تقویم جهان بیست و چهارم ماه می به‌عنوان «روز مهاجرت ماهیان» نام‌گذاری شده است

بن بست مرگبار در مسیر مهاجرت ماهی‌ها

شیوع برخی بیماری‌ها، از جمله سرطان‌های گوارشی؛ مانند روده و معده با نفوذ فلزات سمی به زنجیره غذایی و تجمع آن‌ها در بدن ماهیان مرتبط است

یادداشت |

اقتصاد سیاسی از «فولاد مبارکه» تا «کارخانه کوماسی»

محمد حبوطن |
اکاشناس مسائل اجتماعی حوزه‌آب

اینترنت VIP سهم مردم رانت خواص

محمد محمدی |
جامعه‌پژوه

خبر |

بازگشت زنان به هیئت رئیسه مجلس پس از ۲۳ سال

پس از گذشت بیش از دو دهه، سد حضور زنان در جایگاه هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی شکسته شد. در جریان انتخابات اجلاس هیئت رئیسه سوم مجلس دوازدهم، «سمیه رفیعی» نماینده مردم تهران، موفق شد با کسب آرای نمایندگان، به عنوان دبیر به ترکیب هیئت رئیسه راه یابد.

این در حالی است که از دوره ششم مجلس تاکنون، هیچ زنی نتوانسته بود به این جایگاه مدیریتی دست یابد. آخرین بار، ۲۳ سال پیش در مجلس ششم، «سهیلا جلودارزاده» و «شهربانو امانی» توانسته بودند به‌عنوان منشی در هیئت رئیسه حضور یابند. اکنون سمیه رفیعی سومین زن در تاریخ مجلس ایران است که بر این کرسی تکیه می‌زند. او متولد ۱۳۶۱ و هم‌اکنون عضو کمیسیون کشاورزی است و ریاست فراکسیون محیط‌زیست و منابع طبیعی مجلس را نیز بر عهده دارد.

در ۱۲ دوره مجلس، ۱۲۵ زن به‌عنوان منتخب مردم به مجلس راه یافته‌اند؛ در دوره اول تا سوم مجلس ۴ نفر، در دوره چهارم ۹ نفر، در دوره پنجم ۱۴ نفر، در دوره ششم ۱۳ نفر، در دوره هفتم ۱۳ نفر، در دوره هشتم ۸ نفر، در دوره نهم ۹ نفر، در دوره دهم ۱۷ نفر و در دوره یازدهم ۱۶ زن به‌عنوان نمایندگان مردم در مجلس حضور داشته‌اند و در دوره دوازدهم نیز ۱۴ نفر از زنان در هرم سبز بهارستان به ایفای نقش نمایندگی مردم مشغول هستند.

یادداشت |

به بهانه جشن خردادگان

جشن آب در سرزمین تشنه

پیام ما | در تقویم ایران باستان سی روز ماه نام‌های مختلفی داشت و هر بار که نام ماه و نام روز با هم برابر می‌شد، آن روز جشنی برگزار می‌شد. جشنی که اغلب به باورها و ارتباط انسان و زمین و به تعبیر امروز ما «محیط‌زیست» مربوط می‌شد. جشن «خردادگان» هم یکی از همین روزهاست که پیوندی عمیق با مهم‌ترین مسئله ایرانیان در طول تاریخ دارد: «آب»

در گاهشماری زرتشتی این جشن مطابق بود با ششمین روز از سومین ماه سال، روزی به نام خرداد در ماهی به همین نام. در آیین زرتشت «خرداد» یکی از آماشاسپندان است و در معنای «کمال» از آن یاد می‌شود. در ادبیات مزدیسنا هم خرداد پرستار آب است و جشن خردادگان جشنی برای آب. جشنی گره‌خورده با شادی، مثل تمام آیین‌های باستانی ایران. در این روز مردم کنار چشمه‌ها و رودها می‌رفتند، نیایش می‌کردند، تن به آب می‌زدند و درعین حال به پاکیزگی قنات‌ها و رودها می‌پرداختند و

روز را با شادی و دیدار و خوراک مخصوص سپری می‌کردند. اما در معنای عمیق، خردادگان فقط جشن آب نبود؛ بهانه‌ای بود برای یادآوری این ایده که انسان اگر می‌خواهد به کمال برسد - یا حیاتش تداوم داشته باشد - باید با طبیعت در تعادل باشد و به آن احترام بگذارد و آن را نابود یا آلوده نکند.

«آب» در باور ایرانیان فراتر از یک عنصر طبیعی بود. در سرزمین خشک ایران، مردمانی زندگی می‌کردند که خوب به این درک رسیده بودند که حیاتشان در گرو هم‌زیستی با جهان پیرامونشان است. جهانی که چندان هم سرسازگاری با آنها را نداشت. اما آنها برای پادشاهان تند، پادگیر ساختند و برای روزهای بی‌آب قنات و آب‌انبار، آنها برای کویرها باغ ساختند و برای گرمای نفس‌گیر حوض‌خانه. آنها با طبیعت سر جنگ نداشتند، اما راهی برای زندگی در کنارش پیدا می‌کردند. راهی که همراه با احترام، خردادگان یادآور

روزنامه پیام

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۱۳ | سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payamema.ir



از تمدن قنات تا عصر فرونشست

واکاوی بحران آب در گفت‌وگو با امیر هدایتی
مدیرکل دفتر امور آب کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی

دیدگاه |

«مسجد سلیمان»؛ جایی که زمین خوانده شد

صرفاً یک ماجراجویی فنی نبود؛ بخشی از رقابت جهانی برای انرژی محسوب می‌شد. نفت آرام‌آرام جای زغال‌سنگ را در اقتصاد و صنعت می‌گرفت و نگاه دولت‌ها و سرمایه‌گذاران را به سرزمین‌هایی جلب می‌کرد که احتمال وجود منابع هیدروکربنی در آن‌ها مطرح بود. ایران نیز وارد همین معادله شد.

امتیاز استخراج نفت که به ویلیام تانکس داریسی واگذار شد، در ابتدا بیشتر شبیه یک قمار پرهزینه بود تا طرحی مطمئن. سرمایه صرف می‌شد، گروه‌های اکتشافی به مناطق دورافتاده اعزام می‌شدند و نتیجه‌روشنی به دست نمی‌آمد. حفاری در جغرافیای دشوار جنوب غرب ایران نه فقط مسئله‌ای فنی، بلکه مسئله‌ای انسانی بود؛ کمبود راه، گرما، دشواری حمل تجهیزات و فاصله از مراکز شهری، همه بخشی از این فرآیند بودند.

در چنین شرایطی، مسجدسلیمان هنوز نامی شناخته‌شده نبود. آنچه زمین‌شناسان و حفاران را به این ناحیه کشاند، نه ظاهر کوه‌ها بلکه شکل آن‌ها بود؛ چین‌خوردگی‌هایی که احتمال می‌دادند بتوانند نفت را در خود نگه داشته باشند. امروز می‌دانیم که این ساختارها بخشی از منطق زمین‌شناسی زاگرس‌اند، اما در آن زمان، هر حفاری همراه با تردید بود. هیچ تضمینی وجود نداشت که هزینه و انتظار به کشف واقعی منجر شود.

ماه‌های آخر پیش از کشف، سرشار از ناامیدی بود. هزینه‌ها بالا رفته بود و سرمایه‌گذاران نسبت به ادامه کار تردید داشتند. روایت‌های تاریخی می‌گویند که حتی بحث توقف عملیات نیز مطرح شده بود. حفاری ادامه داشت، اما اطمینان رویه کاهش بود؛ گویی همه چیز میان امید و شکست معلق مانده بود. و بعد، صبح پنجم خرداد ۱۳۸۷، در چاهی که بعدها به «چاه شماره یک» شهرت یافت، نفت از عمق زمین با آمد. آن لحظه فقط یک موفقیت فنی نبود، برای کسانی که آنجا حضور داشتند، پایان دوره‌ای از انتظار و آغاز مرحله‌ای ناشناخته

بود. نفت که تا آن زمان در چین‌خوردگی‌ها و نشانه‌های زمین جست‌وجو می‌شد، در مسجدسلیمان از قلمرو تفسیر به قلمرو مشاهده وارد شد. از آن لحظه به بعد، مسجدسلیمان دیگر همان منطقه پیشین نبود. کشف نفت، ریتم زندگی و معنای این جغرافیا را تغییر داد. تأسیسات شکل گرفتند، راه‌ها ساخته شدند و جمعیت افزایش یافت. شهری که روزگاری در حاشیه توجه قرار داشت، به بخشی از شبکه صنعتی و سیاسی تازه‌ای تبدیل شد که نه تنها جنوب ایران، بلکه اقتصاد کشور را تحت‌تأثیر قرار می‌داد. نفت فقط از زمین بیرون نیامده بود؛ نوعی نگاه تازه به سرزمین نیز همراه آن ظهور کرده بود.

با ورود صنعت نفت، مفاهیمی تازه‌وارد زندگی روزمره شدند؛ حفاری، پالایش، خطوط انتقال و شرکت‌هایی که با منطق صنعتی کار می‌کردند. مسجدسلیمان به یکی از نخستین صحنه‌های مواجهه ایران با جهان مدرن صنعتی تبدیل شد؛ مواجهه‌ای که فرصت، نابرابری، توسعه و وابستگی را هم‌زمان با خود آورد.

چاه شماره یک امروز بیش از آنکه یک سازه صنعتی باشد، یادآور لحظه‌ای تاریخی است؛ نقطه‌ای که در آن لایه‌های زیرزمین و سرزشت اجتماعی به هم رسیدند. این چاه فقط محل کشف نفت نیست، نشانه آغاز دوره‌ای است که در آن انرژی به یکی از عوامل اصلی سیاست، اقتصاد و حتی هویت معاصر ایران تبدیل شد.

به همین دلیل، مسجدسلیمان را نمی‌توان تنها یک میدان نفتی دانست. اهمیت آن در حجم نفت یا سابقه صنعتی‌اش خلاصه نمی‌شود. این شهر یادآور لحظه‌ای است که زمین، پس از میلیون‌ها سال فرآیند خاموش و دور از چشم، ناگهان وارد متن تاریخ شد و مسیر یک کشور را تغییر داد. در مسجدسلیمان، کوه‌ها صرفاً بخشی از منظر نیستند؛ آن‌ها پس‌زمینه روایتی‌اند که آغاز صنعت نفت ایران را در خود نگه داشته است.

شرایطی، بازخوانی جشن‌هایی مانند خردادگان معنایی فراتر از توجه به میراث ناملموس پیدا می‌کند.

شاید امروز در شهری که رودخانه‌اش به جوی پارکی از فاضلاب تبدیل شده یا در استانی که زمین زیر پایش فروری‌نشیند، تصور چنین تگاهی دشوار باشد؛ اما بخش مهمی از تمدن ایرانی بر پایه همین احترام به آب شکل گرفت. قنات‌ها، نظام‌های دقیق تقسیم آب و حتی بسیاری از آیین‌های جمعی ایرانیان در ارتباط مستقیم با کم‌آبی و ضرورت حفاظت از منابع آب بودند. ایران سرزمینی خشک بود و مردمانش خیلی زود فهمیده بودند که بقا بدون سازگاری با طبیعت ممکن نیست و انگار ما امروز با سماجی عجیب دست به گشتن خود می‌زنیم یا فراموشی این قانون طبیعت در سرزمینی که در طول تاریخ کم‌آب بوده؛ اما آفتاب و پیر از روح زندگی.

انگار ایرانیان در تمام تاریخ تلاششان این بود که در دل این اقلیم خشک و زیست‌ناپذیر، تصویری از بهشت بسازند. باغی در کویر که ثمره مدیریت و نگاه درست به منابع آب است. باغی که امروز شاهدهی دقیق تاریخ جهان‌بینی درست ایرانیان.

با همین جهان‌بینی بود که جشن‌های ایران باستان اغلب به عناصر طبیعی پیوند داشتند؛ تیرگان با باران، سده با آتش، مهرگان با خورشید و خردادگان با آب. این

همین جهان‌بینی ایرانیان است. حالا همان سرزمین، با یک فراموشی بزرگ تاریخی، به روزگاری مواجه شده که دریاچه‌ها و تالاب‌های خشک شده، رودخانه‌های آلوده است و نشانی از احترام و هم‌زیستی میان مردمانش با طبیعت نیست. نگاه مردمانش به مدیریت آب در سرزمینی خشک، نشانی از نگاه تاریخی به آب در ایران ندارد. تگاهی که مبتنی بر رابطه فرهنگی و اجتماعی با آب شکل گرفته بود، نه صرفاً بهره‌برداری اقتصادی از آن. حالا که بستر «زاینده‌رود» خشک است و دریاها هر روز عقب‌نشینی می‌کنند و نشانه‌های باقی‌مانده از آب‌انبارهایی که برای مدیریت سیلاب طراحی شده بودند از بین می‌رود، طبیعی است که ایران امروز با یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های آب تاریخ معاصر روبرو باشد. طبیعی است که مردمی که باور به قنات را از دست داده‌اند با پدیده‌ای مرگبار به نام فرونشست زمین مواجه باشند. در چنین شرایطی، یادآوری جشنی که آب را مقدس می‌دانست، فقط رجوع نوستالژیک به گذشته نیست؛ نوعی پرسش درباره تغییر رابطه ما با طبیعت است. ما که پدرانمان برای یادآوری محترم و مقدس بودن آب جشن به پا می‌کردند، امروز آب‌ها را آلوده می‌کنیم و آنها را از دریا به کویر می‌کشانیم تا پروژه‌های عمرانی عجیب را پیش ببریم. در چنین

سرنوشت مبهم یک کار خیر

گزارش «پیام ما» از پرونده خرید تجهیزات برای بیمارستان «لامرد» که به اختلافی طولانی کشید

زیست‌خاکستری بنگاه‌های اجتماعی

گزارش «مرکز پژوهش‌های مجلس» از خلأ قانونی کسب‌وکارهای اجتماعی پرده برمی‌دارد

نگاه‌دارنده کاخ بلند نظم پارسی

آیین یادبود «جلال خالقی مطلق» در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد

نیمی از کشور در «عمق بحران» آبی است

تلخی به کام مردم از قاب شبکه «تماشا»

نقدی بر رویکرد تلویزیون در روزگار نیاز به امید

دیدگاه |

شاید امروز در شهری که رودخانه‌اش به جوی پارکی از فاضلاب تبدیل شده یا در استانی که زمین زیر پایش فروری‌نشیند تصور چنین تگاهی دشوار باشد اما بخش مهمی از تمدن ایرانی بر پایه احترام به آب شکل گرفت

شاید امروز در شهری که رودخانه‌اش به جوی پارکی از فاضلاب تبدیل شده یا در استانی که زمین زیر پایش فروری‌نشیند تصور چنین تگاهی دشوار باشد اما بخش مهمی از تمدن ایرانی بر پایه احترام به آب شکل گرفت

شاید امروز در شهری که رودخانه‌اش به جوی پارکی از فاضلاب تبدیل شده یا در استانی که زمین زیر پایش فروری‌نشیند تصور چنین تگاهی دشوار باشد اما بخش مهمی از تمدن ایرانی بر پایه احترام به آب شکل گرفت

شاید امروز در شهری که رودخانه‌اش به جوی پارکی از فاضلاب تبدیل شده یا در استانی که زمین زیر پایش فروری‌نشیند تصور چنین تگاهی دشوار باشد اما بخش مهمی از تمدن ایرانی بر پایه احترام به آب شکل گرفت

شاید امروز در شهری که رودخانه‌اش به جوی پارکی از فاضلاب تبدیل شده یا در استانی که زمین زیر پایش فروری‌نشیند تصور چنین تگاهی دشوار باشد اما بخش مهمی از تمدن ایرانی بر پایه احترام به آب شکل گرفت

شاید امروز در شهری که رودخانه‌اش به جوی پارکی از فاضلاب تبدیل شده یا در استانی که زمین زیر پایش فروری‌نشیند تصور چنین تگاهی دشوار باشد اما بخش مهمی از تمدن ایرانی بر پایه احترام به آب شکل گرفت

شاید امروز در شهری که رودخانه‌اش به جوی پارکی از فاضلاب تبدیل شده یا در استانی که زمین زیر پایش فروری‌نشیند تصور چنین تگاهی دشوار باشد اما بخش مهمی از تمدن ایرانی بر پایه احترام به آب شکل گرفت



زیست خاکستری بنگاه‌های اجتماعی

گزارش «مرکز پژوهش‌های مجلس» از خلأ قانونی کسب‌وکارهای اجتماعی برده‌برمی‌دارد
سیاست‌گذار میان «بازتوزیع خیریه‌ای» و «توانمندسازی مولد» مردد است

ایپام ما | درحالی‌که هر سال بخش قابل توجهی از بودجه عمومی کشور صرف کمک‌های حمایتی و بسته‌های معیشتی به افشار آسیب‌پذیر می‌شود، تازین‌ترین گزارش راهبردی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هشدار می‌دهد که این الگوی مرسوم نه‌تنها به استقلال اقتصادی مددجویان منجر نشده، بلکه با تعمیق وابستگی، چرخه‌ای از فقر ساختاری را بازتولید کرده است. این گزارش که در اردیبهشت ۱۴۰۵ و با شماره مسلسل ۲۱۴۸۸ منتشر شده، باتکیه بر تجربه میدانی ده‌ها کسب‌وکار اجتماعی فعال در کشور، از یک «گذار اجتناب‌ناپذیر» سخن می‌گوید. گذار از حکمرانی حمایتی به حکمرانی توانمندساز، اما در میانه این مسیر نبود چارچوب قانونی برای موجودیتی به نام «شرکت اجتماعی»، فعالان این عرصه را در فضای خاکستری وی‌پناه نگه داشته است.

روایت رایج از مدیریت مسائل اجتماعی در ایران، روابتی آشناست: دولت با تخصیص یارانه، بسته‌های حمایتی و کمک‌های نقدی، و خیریه‌ها با اتکا به کمک‌های مردمی، تلاش می‌کنند سفره خانوارهای نیازمندان را پر نگه دارند. اما این الگو، آن‌گونه که گزارش مرکز پژوهش‌ها تصریح می‌کند، با «افزایش بار مالی، محدودیت منابع بودجه‌ای، کاهش انعطاف‌پذیری بوروکراسی و فاصله‌گرفتن سازوکارهای رسمی از واقعیت‌های میدانی» به نقطه‌ای رسیده که دیگر پاسخگوی نیازهای امروز جامعه ایران نیست.

نویسنده‌گان گزارش، «محسن رودادی» و «حسام عزت‌آبادی پور» و «محمدتقی ضرغام‌افشار» با اشاره به اینکه «دولت‌ها، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، به‌تثانیی قادر به ایفای نقش مسلط و تعیین‌کننده در حل مسائل اجتماعی نیستند»، چاره را در رویکردی نوین می‌بینند: کسب‌وکار اجتماعی، بنگاهی

که هم‌زمان منطق بازار و مأموریت اجتماعی را در جوی می‌دهد و سود حاصل از فعالیت اقتصادی را نه برای انباشت سرمایه سهام‌داران، بلکه برای تعمیق مأموریت اجتماعی هزینه می‌کند. این مفهوم را نخستین بار «محمد یونس»، اقتصاددان بنگلادشی و برنده جایزه نوبل صلح، به صورت منسجم صورت‌بندی کرد، کسی که با تجربه بانک «گرامین» نشان داد می‌توان فقر را نه با صدقه که با اعتبار مولد کاهش داد.

بنگاه‌هایی که در فضای خاکستری نفس می‌کشند
گزارش مرکز پژوهش‌ها، با مرور تجربه میدانی هفت تاده کسب‌وکار اجتماعی فعال در ایران، تصویری روشن از یک شکاف نهادی ارائه می‌دهد. مؤسسه‌ای که در گزارش با نام مستعار «ار الف» معرفی شده، توانسته با شناسایی هوشمندانه شغل «مرکز تماس» به عنوان

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان گیلان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	برابر رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۶۹۰ مورخ ۱۴۰۶/۱۲/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم مبین رحمانی فرزند مسعود بشماره شناسنامه ۴۳۸۴۸۲۵۷ صادره از در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۵ مترمربع پلاک ۵۴ فرعی از ۵۴ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۹ فرعی بخش ۲۴
نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک شفت رجاری موادیک و سه قانون فوق تصرفات مالکانه اشخاص به شرح زیر از طرف هیئت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون مستقر در ثبت‌اسناد و املاک شفت احراز گردیده یک در اجرای ماده ۳ قانون مذکور ذیل‌آگهی می‌گردد:
قریه قصبه سنگ اصلی ۲۱ بخش ۲۱ گیلان	۱- رای شماره‌های ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ و ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۱۲/۰۴ یک قسمت مفروز به‌عنوان از شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک‌باب انباری مساحت ۱۱۰/۳۷ مترمربع مفروز از پلاک ۲۶ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در قریه قصبه بخش ۲۱ گیلان خریداری خانم خدیجه دانایی و آقای امیرتوبه کار مشاعا و بایسویه هر کدام سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک مذکور از مالک رسمی حاج تقی ذریعان که پلاک ۲۱۳۱۳ به آن اختصاص یافته است.
۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۰۸/۲۸ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر دو بابخانه به مساحت ۱۱۱/۴۹ مترمربع مفروز از پلاک ۶۶ فرعی از ۲۴ اصلی واقع در قریه احمدسورگوراب بخش ۲۱ گیلان خریداری آقای محمدرضا هدایتی از مالک رسمی ابراهیم فتوحی که پلاک ۹۴۷ به آن اختصاص یافته است.	۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۰۸/۲۸ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین باغ تبریزی به مساحت ۳۷/۳۷۵ مترمربع مفروز از پلاک ۳۹ و ۴۱ فرعی از ۳۲ اصلی واقع در قریه بیاباواو بخش ۲۱ گیلان خریداری آقای بابک پورابراهیمی بیاباواوی از مالک رسمی حسنی پورابراهیمی که پلاک ۲۱۳۱۳ به آن اختصاص یافته است.
۳- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۰۹/۱۰ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین باغ تبریزی به مساحت ۳۷/۳۷۵ مترمربع مفروز از پلاک ۳۹ و ۴۱ فرعی از ۳۲ اصلی واقع در قریه بیاباواو بخش ۲۱ گیلان خریداری آقای بابک پورابراهیمی بیاباواوی از مالک رسمی حسنی پورابراهیمی که پلاک ۲۱۳۱۳ به آن اختصاص یافته است.	۳- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۰۹/۱۹ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر استانخیزپوروش ماهی (پوروش ماهی گرمابی فاقد پروانه بهره‌برداری)

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ملک جیرفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	برابر رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۹۰۱۴۰۲۵۴۰ مورخ ۱۴۰۶/۱۱/۲۸ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن امینی روش فرزند میرزا در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۴/۳۱۵ مترمربع پلاک ۲۲۴ فرعی از ۲- اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۴۲ فرعی از ۲- اصلی واقع در اراضی دشتکوج جیرفت بخش ۴۵ کرمان خریداری از مالک رسمی محمداصداق قلی‌اکبر در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۰/۳۷۴ مترمربع پلاک ۶۵۴ فرعی از ۱۲- اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۱۲- اصلی واقع در اراضی طوحان جیرفت بخش
نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک شفت رجاری موادیک و سه قانون فوق تصرفات مالکانه اشخاص به شرح زیر از طرف هیئت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون مستقر در ثبت‌اسناد و املاک شفت احراز گردیده یک در اجرای ماده ۳ قانون مذکور ذیل‌آگهی می‌گردد:
قریه قصبه سنگ اصلی ۲۱ بخش ۲۱ گیلان	۱- رای شماره‌های ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ و ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۱۲/۰۴ یک قسمت مفروز به‌عنوان از شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک‌باب انباری مساحت ۱۱۰/۳۷ مترمربع مفروز از پلاک ۲۶ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در قریه قصبه بخش ۲۱ گیلان خریداری خانم خدیجه دانایی و آقای امیرتوبه کار مشاعا و بایسویه هر کدام سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک مذکور از مالک رسمی حاج تقی ذریعان که پلاک ۲۱۳۱۳ به آن اختصاص یافته است.
۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۰۸/۲۸ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر دو بابخانه به مساحت ۱۱۱/۴۹ مترمربع مفروز از پلاک ۶۶ فرعی از ۲۴ اصلی واقع در قریه احمدسورگوراب بخش ۲۱ گیلان خریداری آقای محمدرضا هدایتی از مالک رسمی ابراهیم فتوحی که پلاک ۹۴۷ به آن اختصاص یافته است.	۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۹۰۱۴۰۲۵۴۰ مورخ ۱۴۰۶/۰۹/۱۹ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر استانخیزپوروش ماهی (پوروش ماهی گرمابی فاقد پروانه بهره‌برداری)

فرصتی برای معلولان جسمی - حرکتی، برای بیش از ۲۵۰ نفر اشتغال پایدار ایجاد کند و بیش از ۸۰ درصد درآمد خود را از بازار رقابتی به دست آورد رقمی که در ادبیات بین‌المللی شاخص بلوغ مالی یک کسب‌وکار اجتماعی محسوب می‌شود.

نمونه دیگر، مؤسسه‌ای است که در یکی از مناطق تهران، با اجرای برنامه‌های مداخله محلی، میزان مصرف مواد مخدر را در یک منطقه خاص از ۱۴ درصد به زیر ۲ درصد در طول سه سال کاهش داده است، دستاوردی که با صرف میلیاردها تومان بودجه دولتی نیز کمتر محقق شده است.

اما همین مؤسسات، در بازار حقوقی کشور هویت روشنی ندارند. گزارش با صراحت می‌نویسد: «این فعالیت‌ها غالباً ذیل عناوینی چون خیریه، مؤسسه مردم‌نهاد، تعاونی یا شرکت خصوصی طبقه‌بندی می‌شوند و فاقد چارچوب سیاستی، حقوقی و حمایتی متناسب با ماهیت خود هستند.» نتیجه این بی‌هویتی، آسیب‌پذیری دوسویه است: هم خطر تبدیل شدن به بنگاه‌های صرفاً سودمحور و فاصله‌گرفتن از مأموریت اجتماعی، و هم خطر افتادن در دام الگوهای خیریه‌ای ناپایدار

تغییر پارادایم، از مددجویه شریک تولید
محور نتقادی گزارش، آنجا تیزتر می‌شود که نویسندگان به ریشه‌های فرهنگی و سیاستی الگوی فعلی حمله می‌کنند. به باور آنان، نگاه حاکم بر سیاست‌گذاری اجتماعی ایران همچنان تگاهی «بازتوزعی - خیریه‌ای» است، تگاهی که در آن، افشار آسیب‌پذیر نه شریک فعال در تولید ثروت که گیرندگان منفعل کمک تلقی می‌شوند.

گزارش پیشنهاد می‌کند که «مدل‌های حمایتی از رویکرد توزیع بسته‌های معیشتی که به وابستگی مددجویان منجر می‌شود، به سمت ایجاد اشتغال باکرامت و خودکفایی حرکت کنند». این، همان چیزی است که در ادبیات جهانی با عنوان «توانمندسازی مولد» شناخته می‌شود و در آن، فرد نیازمند از یک «هنرینه» به ترانزانه دولت، به یک «مؤدی مالیاتی» تبدیل می‌شود.

شواهد گزارش، این گذار را ممکن نشان می‌دهد. مؤسسه‌ای موسوم به «م» با تمرکز بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و افراد نابینا از طریق تولید کیسه‌های پارچه‌ای، اشتغالی «عادلانه و پایدار» فراتر از استانداردهای قانون کار» ایجاد کرده است. جمعیتی موسوم به «ح» نیز با تمرکز بر بازگرداندن معتمدان بهبودیافته به چرخه اقتصادی از طریق آموزش‌های مهارتی، الگویی متفاوت از کمک‌رسانی صرف ارائه کرده است.

خلأ قانونی، پاشنه آشیل سیاست‌گذاری
اما مهم‌ترین مانع پیش روی این گذار، آن‌گونه که گزارش با تأکید برمی‌شمارد، نبود یک چارچوب حقوقی مستقل است. درحالی‌که بیش از ۳۵ کشور اروپایی، چارچوب‌های قانونی متنوعی برای کسب‌وکارهای اجتماعی تعریف کرده‌اند، از «شرکت با منافع جامعه» (CIC) در بریتانیا گرفته تا «تعاونی‌های اجتماعی» در ایتالیا، ایران همچنان فاقد شخصیت حقوقی متمایزی برای این بنگاه‌هاست. این خلأ، پیامدهای ملموسی دارد. کسب‌وکار اجتماعی

در ایران با باید خود را در قالب «خیریه» تعریف کند و از فعالیت اقتصادی بازماند، یا در قالب «شرکت تجاری» ثبت شود و قواعد مالیاتی و سهام‌داری شرکت‌های سودمحور بر آن حاکم شود. هیچ‌کدام از این دو قالب، با ماهیت دوگانه «اقتصادی - اجتماعی» این بنگاه‌ها سازگار نیست.

گزارش مرکز پژوهش‌ها، تدوین قانون جامع کسب‌وکارهای اجتماعی را نخستین گام پیشنهادی برای مجلس شورای اسلامی می‌داند، قانونی که باید «شخصیت حقوقی شرکت اجتماعی» را با ویژگی‌هایی نظیر «عدم توزیع سود یا توزیع محدود» و «قابلیت فعالیت اقتصادی در بازار» به رسمیت بشناسد.

پول و اعتبار، ابزارهایی که نداریم
دومین گلوگاه، تأمین مالی است. کسب‌وکار اجتماعی، بنا به تعریف، نه می‌تواند؛ مانند یک خیریه به طور کامل به کمک‌های مردمی متکی باشد و نه مانند یک شرکت تجاری، صرفاً به دنبال حداکثرسازی سود برای جذب سرمایه‌گذار خصوصی است. این بنگاه‌ها نیازمند ابزارهای مالی نوینی هستند که در ایران هنوز شکل نگرفته‌اند. گزارش به چند ابزار جهانی اشاره می‌کند: «سرمایه‌گذاری انگرگذار» (Impact Investing) که در آن سرمایه‌گذار علاوه بر بازگشت اصل سرمایه، به دنبال اثر اجتماعی مثبت است، «اوراق قرضه اجتماعی» (SIB) که در آن دولت تنها در صورت تحقق نتایج اجتماعی ملموس، مانند کاهش نرخ بازگشت به اعتیاد، هزینه را پرداخت می‌کند، و «تیکوکاری سرمایه‌گذارانه» که از منطق سرمایه‌گذاری خردپزیران الهام می‌گیرد.

در غیاب این ابزارها، فعالان میدانی ناگزیر شده‌اند راهکارهای بدیع خود را ابداع کنند. بنیان‌گذار یکی از مؤسسات (با نام مستعار «ک. د») که در حوزه افراد دارای «سندروم داوون» و «اوتیسم» فعالیت می‌کند، حتی در شرایط زیان‌دهی، از دارایی‌های شخصی خود برای حفظ محیط امن شغلی این افراد هزینه کرده است، الگویی که گزارش آن را «انگیزش هزاردرصدی» می‌نامد، اما به روشنی پیاسد که چنین الگویی مقیاس‌پذیر و پایدار نیست.

پیامدها، اگر گذار اتفاق بیفتد
گزارش مرکز پژوهش‌ها، با بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی «SOAR» (قوت‌ها، فرصت‌ها، آرمان‌ها و پیامدها)، رویکردی که در برابر تحلیل سنتی «SWOT» بر ظرفیت‌سازی به‌جای آسیب‌شناسی تأکید دارد، دستاورد کلیدی را برای صورت‌بندی گذار به الگوی توانمندساز برمی‌شمارد.

از منظر اقتصادی، هدف‌گذاری گزارش این است که حداقل ۷۰ درصد درآمد کسب‌وکارهای اجتماعی از طریق فروش کالا و خدمات تأمین شود، نه از محل کمک‌های خیریه. تجربه «ار الف» با ۸۰ درصد درآمد بازاری، نشان می‌دهد این هدف دست‌یافتنی است. از منظر بودجه عمومی، اگر این بنگاه‌ها بخشی از وظایف محطری دولت، مانند اشتغال معلولان یا بازپزیری معتمدان، را بر عهده بگیرند، گزارش انتظار «بهبینه‌سازی بودجه عمومی» و «تغییر رویکرد بودجه‌ریزی از تخصیص منابع به نهادهای حمایتی به ساختارهای اصلاح

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، فراتر از یک سند پژوهشی، در حکم اعلان یک انتخاب سیاستی است. ایران بر سر دوراهی ایستاده: ادامه الگوی بازتوزیع خیریه‌ای با بار مالی فزاینده و کارایی نزولی، یا گذار به الگوی توانمندساز باتکیه بر کسب‌وکارهای اجتماعی. پاسخ گزارش روشن است: «از این منظر مسئله اصلی فقدان ظرفیت نیست، بلکه نبود یک نگاه منسجم و چارچوب عملیاتی روشن است که این ظرفیت‌ها را به هم متصل کرده و در قالب بودجه سیاست‌ها، نهادها و ابزارهای مشخص، به یک زیست‌بوم حمایتی و تنظیمی قابل اجرا تبدیل کند.»

آنها، پرسش این است که آیا مجلس دوازدهم و دولت چهاردهم، اراده سیاسی لازم برای تبدیل این تشخیص به قانون، نهاد و بودجه را خواهند داشت؟ پاسخ این پرسش، نه فقط سرنوشت چند صد کسب‌وکار اجتماعی که الگوی مواجهه ایران با موج فزاینده مسائل اجتماعی در دهه پیش رو را تعیین خواهد کرد.

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۱۴۵۵۶۰۰۰۷۴۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۷
مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۷	در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه ساسان حقانی فرزند محمدتقی به شماره ملی ۲۹۱۸۹۶۴۳۸ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۴۵۱/۳۱ مترمربع به پلاک ۲۲۳ فرعی قسمتی از پلاک ۳ اصلی واقع در قریه عالیوکا بخش ۲ ثبت ساری
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.	بدینوسیله است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۳	
پاسر ملکی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری	
شناسه آگهی: ۲۱۷۵۹۳۹	

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۱۴۵۵۶۰۰۰۷۴۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۷
مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۷	در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه ساسان حقانی فرزند محمدتقی به شماره ملی ۲۹۱۸۹۶۴۳۸ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۴۵۱/۳۱ مترمربع به پلاک ۲۲۳ فرعی قسمتی از پلاک ۳ اصلی واقع در قریه عالیوکا بخش ۲ ثبت ساری
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.	بدینوسیله است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۳	
پاسر ملکی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری	
شناسه آگهی: ۲۱۷۵۹۳۹	

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری برابر رای شماره ۱۴۰۵/۳۱۴۵۵۶۰۰۰۷۴۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۷
مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۷	در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه ساسان حقانی فرزند محمدتقی به شماره ملی ۲۹۱۸۹۶۴۳۸ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۴۵۱/۳۱ مترمربع به پلاک ۲۲۳ فرعی قسمتی از پلاک ۳ اصلی واقع در قریه عالیوکا بخش ۲ ثبت ساری
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدینوسیله است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۳	
رییس اداره ثبت اسناد و املاک جیرفت	
شناسه آگهی: ۲۱۷۵۸۲۰	

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک شفت در اجرای موادیک و سه قانون فوق تصرفات مالکانه اشخاص به شرح زیر از طرف هیئت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون مستقر در ثبت‌اسناد و املاک شفت احراز گردیده که در اجرای ماده ۳ قانون مذکور ذیل‌آگهی می‌گردد:
قریه پیرده سنگ اصلی ۱۱ بخش ۲۱ گیلان	۱- رای شماره‌های ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ و ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۱۲/۰۴ یک قسمت مفروز به‌عنوان از شش‌دانگ یکباب ساختمان بودیفه مساحت ۹۹/۶۶ مترمربع مفروز از پلاک ۳ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در قریه پیرده بخش ۲۱ گیلان خریداری آقای محمدرضا و امیرحسین چمکنی باحدای ذوالبیرانی مشاعا و بایسویه هر کدام سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک مذکور از مالک رسمی نجفعلی رزمجوی آقا محله که پلاک ۱۶۹۷ به آن اختصاص یافته است.
قریه چهچاه سنگ اصلی ۳۵ بخش ۲۱ گیلان	۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۱۲/۰۴ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۵۸۱ مترمربع مفروز از پلاک ۳۹۱ فرعی از ۳۵ اصلی واقع در قریه چهچاه بخش ۲۱ گیلان خریداری آقای سید مرضی میرجود از مالک رسمی غلامحسین قائمی که پلاک ۱۳۴۳ به آن اختصاص یافته است.
لذا موضوع بر اساس ماده ۳ قانون تعیین تکلیف در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد، چنانچه کسی نسیب به خریداری و تصرفات مفروض فوق‌الذکر اعتراضی داشته باشد از تاریخ انتشار اولین آگهی لغایت دو ماه اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم نماید و از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره ثبت طرف مدت یک ماه دادخواست به محاکم قضایی ذیصلاح تقدیم نماید و کواهی قضایی تقدیم دادخواست خود را به اداره ثبت‌اسناد ارائه نماید. بدینوسیله است در صورت عدم ارائه کواهی تقدیم دادخواست ارائه کواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت، متقاضی ثبت می‌تواند به محاکم قضایی مراجعه و کواهی عدم تقدیم دادخواست معترض به محاکم را اخذ و به این اداره ارائه نماید و این اداره نیز بدون توجه به اعتراض معترض، پیونده متقاضی ثبت را حسب تقاضای وی تا صدور سند مالکیت به نام متقاضی دنبال خواهد نمود. بدینوسیله است صدور سند مالکیت به نام متقاضی مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۳	
نعمت ذوقی	
رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت	
از طرف ابودرزین پورحسن کباده	
شناسه آگهی: ۲۱۷۶۲۰۴	

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک شفت در اجرای موادیک و سه قانون فوق تصرفات مالکانه اشخاص به شرح زیر از طرف هیئت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون مستقر در ثبت‌اسناد و املاک شفت احراز گردیده یک در اجرای ماده ۳ قانون مذکور ذیل‌آگهی می‌گردد:
قریه قصبه سنگ اصلی ۲۱ بخش ۲۱ گیلان	۱- رای شماره‌های ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ و ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۱۲/۰۴ یک قسمت مفروز به‌عنوان از شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک‌باب انباری مساحت ۱۱۰/۳۷ مترمربع مفروز از پلاک ۲۶ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در قریه قصبه بخش ۲۱ گیلان خریداری خانم خدیجه دانایی و آقای امیرتوبه کار مشاعا و بایسویه هر کدام سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک مذکور از مالک رسمی حاج تقی ذریعان که پلاک ۲۱۳۱۳ به آن اختصاص یافته است.
۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۰۸/۲۸ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر دو بابخانه به مساحت ۱۱۱/۴۹ مترمربع مفروز از پلاک ۶۶ فرعی از ۲۴ اصلی واقع در قریه احمدسورگوراب بخش ۲۱ گیلان خریداری آقای محمدرضا هدایتی از مالک رسمی ابراهیم فتوحی که پلاک ۹۴۷ به آن اختصاص یافته است.	۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۹۰۱۴۰۲۵۴۰ مورخ ۱۴۰۶/۰۹/۱۹ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر استانخیزپوروش ماهی (پوروش ماهی گرمابی فاقد پروانه بهره‌برداری)

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	حوزه ثبت ملک شفت رجاری موادیک و سه قانون فوق تصرفات مالکانه اشخاص به شرح زیر از طرف هیئت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون مستقر در ثبت‌اسناد و املاک شفت احراز گردیده یک در اجرای ماده ۳ قانون مذکور ذیل‌آگهی می‌گردد:
قریه قصبه سنگ اصلی ۲۱ بخش ۲۱ گیلان	۱- رای شماره‌های ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ و ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۱۲/۰۴ یک قسمت مفروز به‌عنوان از شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک‌باب انباری مساحت ۱۱۰/۳۷ مترمربع مفروز از پلاک ۲۶ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در قریه قصبه بخش ۲۱ گیلان خریداری خانم خدیجه دانایی و آقای امیرتوبه کار مشاعا و بایسویه هر کدام سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک مذکور از مالک رسمی حاج تقی ذریعان که پلاک ۲۱۳۱۳ به آن اختصاص یافته است.
۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۸۱۶۳۸۱ مورخ ۱۴۰۶/۰۸/۲۸ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر دو بابخانه به مساحت ۱۱۱/۴۹ مترمربع مفروز از پلاک ۶۶ فرعی از ۲۴ اصلی واقع در قریه احمدسورگوراب بخش ۲۱ گیلان خریداری آقای محمدرضا هدایتی از مالک رسمی ابراهیم فتوحی که پلاک ۹۴۷ به آن اختصاص یافته است.	۲- رای شماره ۱۴۰۶/۳۸۱۹۰۱۴۰۲۵۴۰ مورخ ۱۴۰۶/۰۹/۱۹ یک قسمت مفروز به‌عنوان شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر استانخیزپوروش ماهی (پوروش ماهی گرمابی فاقد پروانه بهره‌برداری)

در تقویم جهان بیست و چهارم ماه می به‌عنوان «روز مهاجرت ماهیان» نام‌گذاری شده است

بن بست مرگبار در مسیر مهاجرت ماهی‌ها

شیوع برخی بیماری‌ها، از جمله سرطان‌های گوارشی مانند روده و معده

با نفوذ فلزات سمی به زنجیره غذایی و تجمع آن‌ها در بدن ماهیان مرتبط است



ماهی‌ها

اکامیاب فکور |

روزنامه‌نگار

❖ موضوع مهاجرت ماهیان چه اهمیتی دارد که یک روز در تقویم را به آن اختصاص داده‌اند؟

محیط‌های دریایی و اقیانوسی، علی‌رغم ظاهر یکپارچه و بازیشان، هر یک دارای مرزها و شرایط خاصی برای زیست گونه‌های مختلف هستند. بر اساس مطالعات انجام‌شده، پدیده مهاجرت در ماهی‌ها در چند جهت متفاوت رخ می‌دهد؛ از رودخانه به دریا، از دریا به رودخانه و مهاجرت میان اقیانوس‌ها یا دریا به اقیانوس.

تنوع در مهاجرت ماهی‌ها بسیار زیاد است. آن‌ها با این نقل‌وانتقال، بخش عمده‌ای از مواد غذایی و شرایط زیستی را از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌کنند که این امر نقشی اساسی در چرخه جهانی مواد غذایی ایفا می‌کند.

بسیاری از ماهی‌ها در آب‌های شیرین متولد می‌شوند، اما بر اساس انتخاب طبیعی و در طول روند تکامل، مسیر زندگی خود را به سمت دریاها تغییر داده‌اند.
باین‌حال، این‌گونه‌ها برای زادآوری دوباره به رودخانه‌ها بازمی‌گردند و در بالادست رودخانه تخم‌ریزی می‌کنند. معمولاً سرانجام این زادآوری برای ماهیان والد، مرگ است و درصد بسیار بالایی از آن‌ها از بین می‌روند.

شاید مرگ موجودی که چندین سال در دریاها زیسته و صرفاً برای تولیدمثل با مرگ مواجه می‌شود، تراژیک به نظر برسد؛ اما واقعیت این است که این مرگ، تمامی مواد غذایی را که ماهی در طول سالیان جمع‌آوری کرده، به آن رودخانه و اکوسیستم منتقل می‌کند. این بازگشت مواد مغذی به زادگاه، نه‌تنها به نفع نوزادان همان‌گونه، بلکه برای سایر جانوران و کل اکوسیستم پیرامون آن ناحیه حیاتی است.

❖ می‌توانید در این مورد مثالی بزنید؟

در یکی از رودخانه‌های آمریکا، ماهیان آزاد که برای

شاید اگر «ماهی سیاه کوچولو» با مصائب مهاجرت در آب‌های ایران آشنا بود، در سفر خود تجدیدنظر می‌کرد.

مهاجرت ماهیان، پدیده‌ای پیچیده و حیاتی است و نقشی محوری در چرخه جهانی مواد غذایی ایفا می‌کند. به همین دلیل است که ۲۴ ماه می در تقویم جهان به‌عنوان «روز مهاجرت ماهیان» نام‌گذاری شده است. ماهیان در مهاجرت خود با انتقال انرژی و مواد مغذی از دریاها به خشکی و برعکس، نه‌تنها جان نوزادان خود، بلکه سلامت جنگل‌ها، خاک و حتی انسان‌ها را تضمین می‌کنند. اما امروز، این چرخه شتابان در حال نابودی است. سدهای متعدد، آلودگی‌های شیمیایی سمی و صیدهای ویرانگر به دیوارهای نفوذناپذیری تبدیل شده‌اند که مهاجران را وادار به توقف یا مرگ می‌کنند. «شهرام شرفی»، متخصص اکولوژی دریا در گفت‌وگو با «پایام ما» بر این نکته دست می‌گذارد از قطع مسیر ماهی سفید در دریای خزر تا تخریب اکوسیستم خلیج فارس همگی باعث شده با کاهش تنوع زیستی رویرو باشیم، او به پیش‌بینی‌هایی اشاره می‌کند که بر اساس آنها تا سال ۲۰۵۰، بسیاری از منابع ماهیگیری جهان عملاً نابود شده و صنعت صید در بسیاری از نقاط تعطیل شود. گفت‌وگوی کامل را در ادامه می‌خوانید.

تخم‌ریزی باید به رودخانه بازمی‌گشتند، چرخه‌ای چهار تا هفت‌ساله را طی می‌کردند؛ پس از خروج از رودخانه و رفتن به دریا، بعد از مدتی دوباره به همان رودخانه بازمی‌گشتند. اما با احداث یک سد در میان این مسیر و قطع ارتباط مستقیم رودخانه با دریا، مهاجرت ماهی‌ها مختل شد و آن‌ها پشت سد ماندند. نتیجه این توقف، تخریب تدریجی جنگل‌های حاشیه رودخانه در پشت سد طی دو یا سه سال و بروز آفت‌ها و مشکلات متعددی برای این اکوسیستم بود. سرانجام مهندسان به این نتیجه رسیدند که با ساختن «آسانسور ماهی» یا اصطلاحاً «راه‌پله ماهی»، مسیر مهاجرت بازسازی شود تا ماهیان بتوانند از سد عبور کرده و به بالادست رودخانه بازگردند.

نکته قابل‌توجه این است که پس از تکمیل این راه‌پله‌ها و امکان‌پذیر شدن مهاجرت مجدد و تخم‌ریزی ماهی‌ها، تنها در عرض دو، سه سال، جنگل‌ها مجدداً آغاز به بازسازی کردند. دلیل این پدیده، بازگردانی مواد مغذی و انرژی لازم برای احیای اکوسیستم بود که پیش‌تر توسط ماهیان به رودخانه منتقل می‌شد. اگرچه این پدیده احتمالاً در بسیاری از نقاط جهان رخ می‌دهد، اما لزوماً تجربه مستقیم یا دانش کافی درباره دربار تمام آن‌ها در دست نیست.

❖ باتوجه‌به تعدد سدسازی در ایران، چالش‌های ناشی از آن را برای ماهیان رودخانه‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

زمانی وسعت مسیر مهاجرت ماهی سفید در دریای خزر چنان گسترده بود که برای تخم‌ریزی حتی تا کشور در ادامه گفت: «طرح زاگرس را سازمان برنامه بودجه آغاز کردیم. این سازمان در زمینه تخصیص منابع اعتباری و تفکیک زاگرس از مناطق جنوب و مرکزی کشور اقدام کرد و سهم اعتبارات زاگرس را جدا کردند تا اعتباراتش در همین منطقه هزینه شود.» او افزود: «سازمان برنامه و بودجه در زمینه تدوین سند، ایجاد ساختارها و فرایندها و تدوین گام‌های اجرایی کمک‌زیادی کرد و با توجه به آن‌که دبیر شورای برنامه‌ریزی استان است، این سند را ابلاغ خواهد کرد تا از قدرت و ضمانت اجرایی کافی برخوردار باشد.»

موسوی‌نژاد گفت: «در سند جامع زاگرس برای اولین بار یکپارچه‌نگری و جامع‌نگری در واحد حوزه‌ای آنجیز محقق شده است. ما برنامه‌های بخش دیگر را دریافت کردیم. به عنوان نمونه بخش آنجیزداری برنامه‌های خود را تا پنج سال آینده مشخص کرده است. بخش‌های حفاظت، مرتع و جنگل نیز به همین‌شیوه عمل کرده‌اند. برنامه‌هایی که از مطالعات استخراج می‌شود، وارد فاز اجرایی خواهد شد.» رئیس مرکز جنگل‌های خارج از شمال سازمان منابع طبیعی و آنجیزداری کشور در ادامه گفت: «چهار استانی که در سال گذشته این طرح به عنوان پایلوت در آن‌ها اجرا شد، در سال جاری وارد فاز اجرایی می‌شوند و سال‌های بعد به مرور به این تعداد افزوده می‌شود.» او اضافه کرد: «هم‌افزایی بین دستگاه‌ها در جهت دستیابی به اهداف سند در موارد مربوط به ارتقای شاخص‌های پایداری اعم از مدیریت حریق، مبارزه با آفات و بیماری‌ها، آنجیزداری و آنخوانداری و… به وجود خواهد آمد.» ایسنا

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول

شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان کرمان به شناسه ملی ۱۰۶۳۰۲۲۰۷۵ شهرستان کرمان استان کرمان

به اطلاع کلیه اعضای محترم اتحادیه / شرکت تعاونی می‌رساند که جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول این تعاونی در ساعت ۴ عصر روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۷ در محل دفتر شرکت واقع در ابوذر جنوبی کرمان ریحانه تشکیل می‌گردد از سهامداران دعوت می‌گردد که راس ساعت مذکور در جلسه مجمع حضور بهم رسانند.
"ضمناً اعضای که مایلند حق حضور و رأی دادن در مجمع را به نمایندبه نام‌الاختیار واگذار نمایند تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۶ با اتفاق نماینده خود جهت تأیید برگ نمایندگی به محل دفتر شرکت مراجعه نمایند.

دستور جلسه:

تمدید مدت فعالیت شرکت تعاونی

ارسلان قاسمی - کورش سعیدی - هیئت‌مدیره اتحادیه / شرکت تعاونی

❖ معضل دیگر آلودگی رودخانه‌ها است؛ تهدید این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عمده فعالیت‌های شهری و سکونتگاه‌های انسانی در نزدیکی منابع آبی، یعنی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، شکل گرفته است. بخشی از فرایندهای اکوسیستم‌های شهری، تولید پسماند و پساب است که پس از مدتی نیاز به تخلیه دارد. این تخلیه ممکن است به‌صورت دیووی زباله در نواحی جنگلی یا خشکی انجام شود که منجر به ایجاد شیرابه‌های سمی و نفوذ آن‌ها به آب‌های زیرزمینی و در نهایت آلوده‌شدن رودخانه‌ها می‌شود. از سوی دیگر، در بسیاری از شهرهای حاشیه آب، به‌ویژه در شمال ایران، فاضلاب‌های شهری و صنعتی مستقیماً به رودخانه‌ها رها می‌شوند.

تفاوت مهمی بین شمال و جنوب ایران در الگوی مهاجرت ماهیان وجود دارد. در شمال، اکثر ماهی‌های دریای خزر برای بقا و تخم‌ریزی به رودخانه‌ها بازمی‌گردند؛ بنابراین بقای آن‌ها مستقیماً به سلامت رودخانه‌ها وابسته است. در مقابل، در جنوب ایران گونه‌های محدودتری از ماهیان به رودخانه‌ها مهاجرت می‌کنند یا در آن‌ها زندگی می‌کنند. این تفاوت، نه‌تنها بر چرخه زیستی ماهیان، بلکه بر معیشت مردم منطقه نیز تأثیرگذار است.

تخلیه فاضلاب‌های صنعتی و شهری به رودخانه‌های شمال ایران، جمعیت عظیم ماهیانی که برای تخم‌ریزی وارد این نواحی می‌شوند را تهدید می‌کند. نگران‌کننده‌تر آنکه بچه‌ماهی‌های متولدشده در زیستگاه‌های آلوده، با تغذیه و رشد نامناسب مواجه شده و تلفات غیرقابل‌پیش‌بینی را تجربه می‌کنند. پدیده‌ای که گاه به شکل مرگ ناگهانی جمعیت‌های وسیع ماهی در رودخانه‌ها خود را نشان می‌دهد. پیامدهای این امر باعث کاهش ذخایر ماهی و انتقال بیماری و آلودگی به انسان می‌شود. افت جمعیت ماهیان در کوتاه‌مدت، منجر به کاهش منابع غذایی برای جوامع محلی در بلندمدت و خطر انقراض گونه‌ها می‌شود. همچنین آلودگی‌های موجود در آب و ماهیان می‌تواند از طریق زنجیره غذایی (به‌ویژه انگل‌ها و سموم شیمیایی) به انسان منتقل شده و عوارض شدید سلامتی ایجاد کند.

❖ نمونه‌ای هم بررسی شده است؟

رودخانه «چشمه‌علی» در منطقه دامغان را می‌توان مثال زد. اگرچه این منبع آب شیرین و باکیفیت است، اما ماهیان ساکن در آن به‌شدت تحت‌تأثیر پساب‌های کشاورزی قرار دارند. این پساب‌های حاوی مقادیر زیادی سموم کشاورزی است که برای مبارزه با آفات در باغات پیرامون رودخانه استفاده می‌شوند و وارد اکوسیستم آبزی می‌شوند. این موضوع باعث کاهش جمعیت ماهیان در رودخانه چشمه‌علی شده است؛ کمابینکه احداث سد در انتهای مسیر این رودخانه نیز به این کاهش جمعیت دامن زده است. از سوی دیگر ماهی‌دار کردن مخزن این سد با گونه‌های غیربومی - مانند خانواده «کپورماهیان» - توازن زیستی منطقه را برهم زده است. در بسیاری از مناطق، نه‌تنها در نواحی کویری، سدهایی احداث می‌شود که با هدف توسعه شیلات و بهره‌برداری خوراکی، گونه‌های مهاجمی نظیر کپور به آن‌ها معرفی می‌شوند. اگرچه این ماهیان ارزش غذایی دارند، اما حضورشان باعث کاهش جمعیت گونه‌های اندمیک (بومی) آن اکوسیستم می‌شود. علاوه بر این، انتقال انگل‌ها و بیماری‌های همراه با این گونه‌های غیربومی، سلامت ماهیان بومی را به خطر انداخته و حتی موجب انقراض برخی از آن‌ها می‌گردد. درواقع اکوسیستم‌های رودخانه‌ای ما، هم از جانب گونه‌های مهاجم و هم از سوی آلودگی‌های ورودی، تحت فشاری مضاعف قرار دارد.

در محیط‌های شهری نیز، تخلیه فاضلاب حاوی

فلزات سمی و سنگین، منجر به پدیده تجمع زیستی در بافت‌های چربی ماهیان می‌شود. مصرف این ماهیان آلوده توسط جوامع انسانی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به سلامت مصرف‌کنندگان وارد می‌کند. نشانه‌های این بحران را کمابیش در شمال ایران مشاهده می‌کنیم؛ جایی که شیوع برخی بیماری‌ها، از جمله سرطان‌های گوارشی (روده و معده)، با نفوذ فلزات سمی به زنجیره غذایی و تجمع آن‌ها در بدن ماهیان مرتبط دانسته می‌شود.

❖ تأثیر آلودگی سواحل بر ماهیان چه بوده است؟

نواحی ساحلی بستر اصلی مهاجرت بسیاری از گونه‌های ماهی در سراسر جهان است. در ایران نیز خانواده‌هایی نظیر «ساردین‌ماهیان» برای تخم‌ریزی به سواحل می‌آیند، اما این پدیده در کشورهایی مانند پرو ابعاد عظیم‌تر و نقش حیاتی‌تری در اکوسیستم‌های وحش دارد. متأسفانه، آلودگی سواحل و تخلیه مواد سمی در این مناطق، منجر به نابودی هم‌زمان جمعیت ماهیان و تخم‌های آن‌ها شده است. این معضل، هشدار جدی برای آینده صیادگری است؛ پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ میلادی، جهان با کاهش وحشتناک جمعیت ماهیان و حتی تعطیلی صنعت صیادگری در بسیاری از نقاط دنیا مواجه شود، زیرا منابع ماهیگیری عملاً نابود خواهند شد.

در ایران نیز شاهد تأثیرات این بحران هستیم. صید بی‌رویه در سواحل جنوب کشور باعث افت قابل‌توجه جمعیت ماهیان شده است؛ بنابراین، برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری برای حفظ جمعیت ماهیان، به‌ویژه گونه‌های مهاجر ضروری است. در خلیج فارس، دسته‌ای از ماهیان تن‌ها وجود دارند که علاوه بر اهمیت اقتصادی بالا، در این آب‌ها تخم‌ریزی می‌کنند و مسیر مهاجرت آن‌ها از خلیج فارس و دریای عمان به سمت آب‌های باز اقیانوسی و مناطق نزدیک به استرالیا ادامه می‌یابد. این مهاجرت طولانی‌مدت، نقش بسیار مهمی در تبادل مواد غذایی و حفظ تعادل بین دو اکوسیستم جداگانه ایفا می‌کند.

❖ به موضوع صید و صیادی اشاره کردید. امروز دیگر بسیاری از صیادان هم به کاهش جمعیت ماهیان اشاره می‌کنند. شما این دلیل این موضوع را چه می‌دانید؟

افزایش صید غیرقانونی در رودخانه‌های کشور، به‌ویژه در مسیرهای مهاجرت ماهیان، از معضلات بزرگی است که با آن مواجه هستیم. وقتی ماهی‌ها برای تخم‌ریزی وارد رودخانه‌ها می‌شوند، ابتدا دوره‌ای از آرامش را سپری کرده و سپس به مکان‌یابی برای انتخاب بستر مناسب می‌پردازند. اما متأسفانه، امروزه استفاده از روش‌های مخرب نظیر مواد منفجره و شوک الکتریکی بسیار رایج شده است. این اقدامات نه‌تنها مانع از تخم‌ریزی موفق ماهیان می‌شود، بلکه با کشته‌شدن سایر آبزیان منطقه، زنجیره غذایی را مختل کرده و مشکلات اکولوژیک متعددی را ایجاد می‌کند. این روش‌های ویرانگر صیادی، ابعاد مختلفی از آسیب‌ها را به همراه دارد. استفاده از تکنیک‌های خشونت‌آمیز مانند دینامیت یا جریان الکتریکی، منجر به مرگ گونه‌های غیرهدف و کاهش تنوع زیستی منطقه می‌شود. این امر باعث می‌شود تعادل طبیعی رودخانه برهم‌خورد و فضا برای رشد گونه‌های مقاوم‌تر باز شود؛ گونه‌هایی که ممکن است ساختار طبیعی اکوسیستم را تغییر داده و شرایط نامطلوبی را ایجاد کنند. نتیجه این برهم‌خوردگی، کاهش موفقیت تخم‌ریزی در دوره‌های بعدی و در نتیجه افت جمعیت ماهیان است. این کاهش جمعیت، نه‌تنها بهره‌برداری جوامع انسانی از منابع آبی را با مشکل مواجه می‌کند، بلکه صیادان را نیز با کمبود منابع و تهدید معیشت خود رویرو می‌سازد.

روایت آبگیری تالاب «گرده‌قیط»

پس از ۲۰ سال خشکی

با آبگیری دوباره تالاب «گرده‌قیط و میمند» در شهرستان «نقده» پس از حدود ۲۰ سال خشکی، بار دیگر امید به احیای یکی از مهم‌ترین زیست‌بوم‌های آبی جنوب دریاچه ارومیه زنده شد؛ تالابی که اکنون با بازگشت آب، شرایط تازه‌ای برای حضور پرندگان مهاجر و بازگشت حیات‌وحش فراهم کرده‌است.

تالاب گرده‌قیط و میمند با وسعتی حدود ۸۰۰ هکتار در ۷ کیلومتری شمال شهر نقده و در مسیر جاده ارومیه - مهاباد واقع شده است. این تالاب در جنوب دریاچه ارومیه و در محدوده اتصال به رودخانه گدار قرار دارد؛ موقعیتی که باعث شده در دوره‌های پربابی، نقش یک مخزن طبیعی برای جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی منطقه را ایفا کند.

این تالاب با مختصات جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱ دقیقه شمالی و ۴۵ درجه و ۴۰ دقیقه شرقی، از گذشته به‌عنوان یکی از پهنه‌های مهم آبی منطقه شناخته می‌شد؛ پهنه‌ای که روزگاری نی‌زارهای وسیع آن محل امنی برای زیست پرندگان آبزی و مهاجر بود. اهمیت زیست‌محیطی این تالاب باعث شده سازمان حفاظت محیط‌زیست آن را به‌عنوان منطقه شکار ممنوع اعلام کند. وجود نیزارهای گسترده، آبگیرهای فصلی و ارتباط طبیعی با مسیرهای مهاجرت پرندگان، گرده‌قیط و میمند را به یکی از کانون‌های مهم تنوع زیستی در جنوب دریاچه ارومیه تبدیل کرده است. در سال‌های پربابی، این تالاب میزبان گونه‌های مختلفی از پرندگان آبزی و کنارآبزی بوده که برای تغذیه، استراحت و تخم‌گذاری به این منطقه پناه می‌آوردند؛ نقشی که در سال‌های خشکسالی به‌شدت کم‌رنگ شده بود.

| خزرش |

امید می‌رود با تداوم شرایط آبی، این نقش دوباره احیا شود و تالاب به جایگاه طبیعی خود در نقشه مهاجرت پرندگان بازگردد.

قرارگرفتن این تالاب در جنوب دریاچه ارومیه، اهمیت آن را دوچندان می‌کند. در شرایطی که دریاچه ارومیه با بحران کاهش سطح آب مواجه بوده، تالاب‌هایی مانند گرده‌قیط و میمند نقش مهمی در حفظ تنوع زیستی منطقه و ایجاد پناهگاه‌های جایگزین برای حیات‌وحش دارند. احیای این تالاب می‌تواند به‌عنوان یک گام مثبت در جهت تقویت اکوسیستم منطقه تلقی شود؛ هرچند پایداری آن نیازمند مدیریت مستمر منابع آب و توجه جدی به تغییرات اقلیمی است.

آبگیری دوباره تالاب گرده‌قیط و میمند تنها یک اتفاق طبیعی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از امکان بازگشت حیات به مناطقی است که سال‌ها در سکوت و خشکی فرورفته بودند. این رویداد یادآور آن است که حتی در شرایط سخت اقلیمی نیز، با مدیریت درست و همراهی طبیعت، می‌توان امید به احیای اکوسیستم‌ها را زنده نگه داشت.

«حجت جباری»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی در این باره گفت: «در سال‌های گذشته به دلیل خشکسالی و کنترل منابع آب در بالادست، روند آبگیری این تالاب کاهش یافته بود، اما نمی‌توان گفت طی ۲۰ سال گذشته به طور کامل خشک بوده است؛ چراکه در برخی سال‌ها بین ۴۰ تا ۵۰ درصد آبگیری داشت.»

به گفته جباری، طی چهار تا پنج سال اخیر تالاب تقریباً آبگیری قابل‌توجهی نداشت، اما امسال با بازنگی مناسب در حوزه آبریز دریاچه ارومیه و افزایش روان‌آب‌ها، شرایط برای احیای آن فراهم شد و با همکاری جوامع محلی و تشکل‌های مردمی، مسیر ورود آب به تالاب لایروبی و جریان آب به سمت آن هدایت شد و اکنون روند آبگیری همچنان ادامه دارد. ا مهر

❖ استفاده از تکنیک‌های

خشونت‌آمیز مانند

دینامیت یا جریان

الکتریکی، منجر به مرگ

گونه‌های غیرهدف

و کاهش تنوع زیستی

منطقه می‌شود

❖ تخلیه فاضلاب حاوی

فلزات سمی و سنگین

منجر به پدیده

تجمع زیستی

در بافت‌های چربی

ماهیان می‌شود

مصرف این ماهیان آلوده

توسط جوامع انسانی

آسیب‌های جبران‌ناپذیری

به سلامت مصرف‌کنندگان

وارد می‌کند

❖ وجود نیزارهای گسترده

آبگیرهای فصلی

و ارتباط طبیعی

با مسیرهای

مهاجرت پرندگان

گرده‌قیط و میمند را

به یکی از کانون‌های مهم

تنوع‌زیستی

در جنوب دریاچه ارومیه

تبدیل کرده است

عارف: «اتوبان» را به خاطر یک راننده متخلف نمی بندند

معاون اول رئیس جمهور با انتقاد از برخی عملکردهای سلیقه‌ای و شخصی در حوزه فضای مجازی و اینترنت، گفت: «در کشورمان دانشمندان جوان و مستعدی داریم که من به‌عنوان یک معلم کوچک دانشگاه به وجود آنان افتخار کرده و از حضور آنان در بخش علم‌وفناوری احساس غرور می‌کنم. اما ما برای این جوانان دانشمند، مستعد و وطن‌دوست چه کرده‌ایم؟ آیا به این موضوع فکر کرده‌ایم که این جوانان مستعد با بسته‌شدن اینترنت قادر به انجام چه کاری هستند؟»

«محمدرضا عارف» در چهارمین جلسه ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور خاطرنشان کرد: «ما منابع انسانی و جوانانی در کشور داریم که قادر هستند تأکیدات، رهنمودها و آرزوهای امام شهیدمان و مقام معظم رهبری را برای رسیدن به رتبه یک علم‌وفناوری محقق کنند و در این زمینه هیچ مشکلی نداریم؛ اما متأسفانه با رفتارهای سلیقه‌ای در حوزه اینترنت، خودمان را از این فرصت محروم کرده و از آن استفاده نکرده‌ایم.» عارف با تأکید بر اینکه برای پاسخگویی به زندگی مردم و جامعه علمی باید مسئله اینترنت را حل کنیم، افزود: «این مردم همان مردمی هستند که در جنگ ۱۲ روزه، کودتای دی‌ماه و جنگ رمضان به میدان آمدند و کار دشمن را تمام کردند. این مردم همان مردمی هستند که بیش از هشتاد شب در خیابان‌ها حضور دارند و نظیر آن را در تاریخ و در دنیا نمی‌توانید پیدا کنید. ما برای پاسخ به مطالبات این مردم چه کرده‌ایم؟ با شعاردادن که مسئله‌ای حل نمی‌شود؛ بلکه باید برای تحقق مطالبات آنان عمل کنیم نه اینکه با اعمال برخی سلاسیق شخصی، اینترنت را به روی مردم ببندیم.»

او ادامه داد: «نمی‌شود شعار کمک به مردم سر دهیم؛ ولی در عمل به مردم اعتماد نکرده و اینترنت را بر روی مردم ببندیم و با این کار خود سرمایه‌های اجتماعی را سوزانده و فرصت طی‌کردن مسیر فناوری‌ها از دست بدهیم. در کجای دنیا اگر یک کامیون در یک اتوبان تخلف کند، اتوبان را مسدود می‌کنند؟ ما کاری که با اینترنت می‌کنیم مثل این است که به جای برخورد با راننده متخلف، کل مسیر یک اتوبان را بر روی همه خودروها ببندیم.» او همچنین گفت: «دشمن در جنگ رمضان اثبات کرد به دنبال ضربه‌زدن به پایه‌های اقتصاد، علم‌وفناوری کشورمان است؛ زیرا او می‌داند که چه ظرفیت بالای انسانی و علمی در ایران وجود دارد. ما اگر حداکثر استفاده را از ظرفیت‌ها داشته باشیم، به رتبه‌ای در علمی و فناوری و اقتصاد در شان کشورمان می‌رسیم. آیا حالاکه دشمن به علم و دانش ما حمله می‌کند، ما هم باید با بستن اینترنت به رشد کشور در مسیر علم‌وفناوری آسیب برساییم؟ آیا اساساً حق داریم به‌خاطر سلاسیق شخصی یا کم‌کاری در حوزه‌های مختلف این حق را از مردم بگیریم؟ من می‌دانم برخی مخالفت‌ها با بستن اینترنت ریشه در سلاسیق شخصی و منافع شرکتی دارد.»

عارف ادامه داد: «اگر ما در امنیت سایبری کوتاهی کرده‌ایم و به‌خاطر موازی‌کاری، کم‌کاری و سهل‌انگاری دچار مشکلاتی شده‌ایم، نباید زندگی مردم، شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکارها را دچار مشکل کنیم. اولین ضرر طولانی بسته ماندن اینترنت به علم و فناوری‌ها وارد می‌شود و ما را از دستیابی به اهدافمان دور نگه می‌دارد.»

عارف همچنین با اشاره به نیاز ضروری دانشجویان به اینترنت، بیان کرد: «چرا باید کاری کنیم که یک دانشجو برای کارهای علمی‌اش التماس کند که اینترنتش را باز کنند؟ نباید در جلسات به قطع اینترنت اصرار داشته باشیم؛ اما برای دانشجو خودمان به دیگران التماس کنیم که اینترنت را وصل کنند. چه فرقی بین دانشجویی ما و بقیه مردم، دانشجویان و صاحبان کسب‌وکار که ارتباطی با کسی ندارند و در گوشه‌ای از این مملکت در حال کار و تلاش شرافتمندانه برای زندگی و علم‌وفناوری هستند، وجود دارد؟» | ایسنا

آگهی مفقودی

برگ سبز ماشین خودرو سواری - سواری سمند SOREN+XU7P ، مدل ۱۴۰۴ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور: 125K0497281 به شماره شاسی: ۹۸۵۷۱۴۰۵۲ شماره ملی: ۱۶ د ۹۲۶ به نام زینب علی توکلی کهنوج مفقود شده و از اعتبار ساقط است.

رویدار جنوب

آگهی مفقودی

سند کمپانی، سند مالکیت (برگ سبز) خودرو پژو ۲۶ به رنگ سفید روغنی و مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۹۸۵۷۱۴۰۵۲ و شماره موتور 16380144186 و شماره شاسی 16A۳۴۱1FE0FJ258221 به مالکیت وحید نصری نصرآزادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصفهان



ایلنا

گزارش «پیام ما» از پرونده خرید تجهیزات برای بیمارستان «لامرد» که به اختلافی طولانی کشید

سرنوشت مبهم یک کار خیر

ورثه مرحوم «صفر منصوری» درست چند روز پس از داغ از دست‌دادنش تصمیمی بزرگ گرفتند. آنها زمین پدري را فروختند تا با ۴۶۰ میلیون تومان پول حاصل از فروشش در سال (۱۴۰۳)، مرحمی بر زخم بیماران بخش کلیه و مجازی، بیمارستانی در جنوب کشور بگذرانند. اقدامی که تنها با گذشت دو ماه، پرونده پرابهامی را برای این خانواده و مجموعه درمانی لامرد کشود.



آمنه سپهری

اخبارکارا

این گزارش روایتی تلخ از نیت خیری است که در یکی از شهرستان‌های استان فارس در پیچ‌وخم بی‌تدبیری به بیراهه رفت. بر اساس مستندات، در سال ۱۴۰۳ و با پیشنهاد مسئولان وقت شبکه بهداشت و درمان و بیمارستان ۱۲۴تختخوابی «حاج محمود حاج حیدر»، شهرستان لامرد خانواده «مرحوم منصوری» تصمیم گرفتند مبلغ یادشده را صرف خرید تجهیزات تخصصی اتاق عمل کنند. قرار بود با این پول، اقلیمی حیاتی همچون «ست TUR ورکینگ المنت»، «ست بیورتوتوم اشتورز» (شامل ورکینگ المنت، شیت ۲۱، چاقو وکابل مونوپلار)، «شیت‌های ۱۷ و ۱۹» و «پوارالیک» خریداری شود؛ اما با گذشت دو ماه از خرید این تجهیزات و با استقرار تیم مدیریتی جدید پرده از رازی بزرگ برداشته شد: تجهیزات متاسب با دستگاه‌های این بیمارستان نبود و در واقع «غیرقابل‌استفاده» بودند. از همین رو ارقام خریداری‌شده به تهران برگشت داده شد؛ اما شرکت فروشنده به‌جای کالای اصلی، تجهیزات «دست‌دوم» به لامرد فرستاد. اگرچه دوباره تجهیزات دست‌دوم به شرکت فروشنده بازگشت؛ اما آنها همان تجهیزات، منهای یکی از ارقام را به لامرد بازگرداندند. با این اقدام امانت ورثه خیر لامردی زیر فشار دلالان بازار تجهیزات پزشکی و سوءمدیریت گرفتار شد و حالا، خانواده حاج صفر منصوری مانده‌اند و داغی تازه.

ک نیت خیر ما زیر سؤال رفته است

«صفر منصوری» فرزند فرد خیر به «پیام ما» می‌گوید: «ما با پول حاصل از فروش زمین پدرمان

فروش برسانند تا بتوانند تجهیزات دیگری را خریداری و جایگزین کنند.»

ک مدیر داخلی بیمارستان: ما بی‌خبریم

گفت‌وگو با مدیر داخلی وقت این بیمارستان، از لایه‌های جدیدی از ابهام در این پرونده پرده برمی‌دارد. «ایوب موالی» ضمن اعلام بی‌اطلاعی خود از جزئیات خرید، مسئولیت پیگیری‌های مربوط به جذب اعتبار و تأمین این ارقام را به رئیس وقت شبکه بهداشت و درمان لامرد، نسبت می‌دهد. او می‌گوید: «بنده از خرید تجهیزات اورولوژی اتاق عمل مطلع نبوده‌ام. جذب و تأمین اعتبار تجهیزات خیراندیش از طرف دکتر علیپور رئیس وقت شبکه بهداشت و درمان بوده و پیگیری خرید و موارد دیگر با هماهنگی او انجام شده است.»

او در پاسخ به شائبه مطرح شده درباره دست‌دوم بودن تجهیزات، تأکید می‌کند: «اگر ارقام دست‌دوم است، باید از مراجع قضایی پیگیری شود.»

ک ابهام در وضعیت تجهیزات

با کش‌دار شدن این موضوع و بروز اختلافات ۱۲ماهه میان ورثه مرحوم منصوروی و مسئولان این بیمارستان با شرکت تأمین‌کننده تجهیزات پزشکی مطرح‌شدن ابهامات جدی درباره وضعیت ارقام خریداری شده، «علی علی‌پور»، رئیس سابق بیمارستان حاج محمود حاج حیدر که هم‌زمان مسئولیت ریاست شبکه بهداشت و درمان لامرد را عهده‌دار بوده است، در گفت‌وگو با «پیام ما» ضمن رد قاطعانه هرگونه شائبه «دست‌دوم بودن» مرحله نخست تجهیزات، به تشریح روند خرید و ریشه‌های این اختلاف می‌پردازد. او توضیح می‌دهد: «هیچ وجهی برای خرید تجهیزات نه به حساب من و نه به حساب بیمارستان واریز نشده است. بیمارستان صرفاً فهرست تجهیزات موردنیاز را اعلام و شخص ختیر، مبلغ ارقام درخواستی را مستقیماً به حساب شرکت واریز کرده است و بیمارستان تنها درخواست‌کننده تجهیزات بوده است.»

با وجود تأکید علی‌پور بر نو بودن تجهیزات در ابتدای خرید، وضعیت این ارقام پس از تحویل، به عاملی برای بروز اختلاف تبدیل شده است. او در پاسخ به این پرسش که آیا این تجهیزات در ابتدا نو بوده‌اند یا خیر، می‌گوید: «در ابتدای خرید، تجهیزات نو بودند؛ اما پس از مدتی، ابهاماتی در خصوص بازگشت و تعویض آن‌ها مطرح شد. جزئیات دقیق بازگرداندن تجهیزات و دلایل آن، ازجمله تغییر سباز احتمالی و با هر موضوع دیگری که نیست، نظر جراح صورت‌گرفته، به‌درستی مشخص نیست، اما ظاهراً شرکت این ارقام را بازگردانده است.»

ک امتناع شرکت عامل اصلی اختلاف است

نقطه اصلی اختلاف از جایی آغاز می‌شود که پس از بازگرداندن شدن تجهیزات، پرسنل متوجه دست‌دوم بودن آن‌ها می‌شوند. علی‌پور با اشاره به اینکه این اتفاقات دو ماه پس از تحویل مسئولیت خود در بیمارستان و شبکه بهداشت رخ داده است، می‌گوید: «پس از بازگردانده شدن تجهیزات، پرسنل متوجه دست‌دوم بودن آن‌ها شده و طبق تعهدات شرکت، خواستار ارسال تجهیزات نو شده‌اند؛ اما شرکت از این امر امتناع ورزیده است.»

حالاگسرتیر این اختلاف از زمان امتناع شرکت از ارسال تجهیزات نو، وارد ماه دوازدهم شده و تاکنون راه‌حلی برای آن یافت نشده است. علی‌پور ضمن اشاره به لزوم شفاف‌سازی و ریشه‌یابی علل بروز چنین اختلافاتی، می‌افزاید: «اینکه چه کسی و با چه وجهی این تجهیزات را برگردانده، همچنان نامشخص است و مشکل اصلی هم از زمانی آغاز شده که شرکت از ارسال تجهیزات نو امتناع کرده است.»

ک تأکید بر حفظ اعتماد خیرین

«سید محمدجواد سجادی»، رئیس فعلی این بیمارستان هم ضمن تأکید وجود مشکل در فرایند

تأمین تجهیزات، بر پیگیری‌های جدی مدیریت بیمارستان و لزوم حفظ اعتماد خیرین حوزه سلامت تأکید می‌کند. او به‌صراحت می‌گوید موضوع مطرح‌شده مربوط به دوره مسئولیت فعلی او نبوده است، اما «مدیریت فعلی از زمان اطلاع، پیگیری‌های جدی را آغاز کرده است که این رویکرد نشان‌دهنده تلاش برای شفافیت و عدم پنهان‌کاری است.»

تأکید بر «پیگیری‌های مستمر انجام‌شده» و مکاتبات و پیگیری‌های متعدد از مسیرهای قانونی، اداری و نظارتی حاکی از آن است که بیمارستان به دنبال راه‌حل رسمی و حقوقی برای این اختلاف است.

سجادی در گفت‌وگو با «پیام ما» بر ضرورت حفظ اعتماد خیرین حوزه سلامت تأکید می‌کند و می‌گوید: «مدیریت بیمارستان از زمان آگاهی از وجود اشکال در روند تحویل تجهیزات، پیگیری‌های لازم را در دستور کار قرار داده است. آن خانواده نیک‌اندیش در سال ۱۴۰۳ با نیت خیرخواهانه و در راستای ارتقای خدمات درمانی شهرستان، مبلغی را برای تأمین تجهیزات موردنیاز این بخش اهدا کردند و این شایسته تقدیر و احترام است.»

رئیس بیمارستان لامرد بار دیگر روند پیش‌آمده را توضیح می‌دهد: «بر اساس مستندات موجود، تجهیزات اولیه‌ای که خریداری و تحویل شده بود، نو بودند، اما پس از بررسی‌های تخصصی مشخص شد برخی از ارقام با دستگاه‌های موجود در اتاق عمل از نظر فنی همخوانی لازم را ندارند. به همین دلیل، تجهیزات برای اصلاح و جایگزینی به شرکت مربوطه بازگردانده شد تا اقلیمی متناسب با استانداردهای موردنیاز بیمارستان ارسال شود. پس از ارسال مجدد تجهیزات از سوی شرکت، در بررسی‌های انجام‌شده توسط مدیریت داخلی بیمارستان مشخص شد بخشی از ارقام ارسالی مستعمل بوده است و بلافاصله به شرکت اعلام و تجهیزات مجدداً عودت داده شد.»

سجادی ادامه می‌دهد: «بیمارستان بر دریافت ارقام نو و مطابق با تعهدات اولیه پافشاری دارد و در این مدت پیگیری‌های متعددی از مسیرهای قانونی، اداری و نظارتی انجام داده است.»

او در این موضوع در سطوح مختلف در حال بررسی است تا حقوق بیمارستان، خیرین و مردم شهرستان به طور کامل استیفا شود. رئیس این بیمارستان بر نقش ختیران در توسعه زیرساخت‌های درمانی شهرستان لامرد تأکید دارد و می‌گوید: «مجموعه بیمارستان «حاج محمود حاج حیدر» همواره قدردان اعتماد خیران بوده و در سال‌های اخیر نیز با همراهی نیک‌اندیشان شهرستان، خدمات و تجهیزات متعددی به مجموعه درمانی اضافه شده است. اجازه نمی‌دهیم که یک اختلاف قراردادی با مشکل در روند تأمین تجهیزات، اصل این اعتماد ارزشمند را خدشه‌دار کند.»

به‌گفته او مدیریت بیمارستان تا حصول نتیجه‌نهایی و تعیین تکلیف تجهیزات، این موضوع را دنبال خواهد کرد و «بر اقدامی که به حفظ حقوق مردم، صیانت از سرمایه خیرین و ارتقای خدمات درمانی شهرستان کمک کند، با جدیت انجام می‌شود.»

ک مقصداصلی کیست؟

در این میان، به نظر می‌رسد شرکت یا شرکت‌های تأمین‌کننده تجهیزات، نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در این ماجرا ایفا کرده‌اند. چنانچه تجهیزات خریداری شده معیوب، فرسوده یا دست‌دوم بوده و این موضوع از دید مسئولین بیمارستان و شبکه بهداشت پنهان مانده باشد، مسئولیت اصلی احتمالاً متوجه تأمین‌کننده‌ای است که با ارائه کالای نامرغوب و احتمالاً فریبکارانه، اعتماد عمومی و سازمانی را خدشه‌دار کرده است. یابین‌حال پیگیری‌های قضایی و شفاف‌سازی دقیق روند خرید، می‌تواند به روشن‌شدن ابهام این پرونده و احقاق حقوق احتمالی بیماران و نظام سلامت کمک کند.

یادداشت

مردم احساس کنند راه‌گفت‌وگو، مطالبه‌گری و شنیده‌شدن بسته است، طبیعی است که خشم اجتماعی رادیکال‌تر شود، بی‌اعتمادی عمیق‌تر شود و فاصله میان مردم و حاکمیت خطرناک‌تر از قبل رشد کند. اعتماد اجتماعی چیزی نیست که با بیانیه و وعده برگردد. وقتی درباره ابتدایی‌ترین حقوق مردم این‌همه ابهام، تناقض و سکوت وجود دارد، طبیعی است که جامعه احساس کند مسئله اصلاً برای تصمیم‌گیران اولویت ندارد؛ حتی اگر هر روز بگویند «در حال بررسی» هستیم.

و با همه این‌ها، با هم به نظر تنها چیزی که هنوز می‌شود به آن تکیه کرد، همین صدای جمعی مردم است. اگر مطالبه‌گری نباشد، اگر هر بار با چند توضیح مبهم و چند وعده نصفه‌ونیمه عقب بکشیم، این تبعیض نه‌تنها متوقف نمی‌شود، بلکه آرام‌آرام عادی می‌شود. واقعیت این است که بسیاری از حق‌ها یک‌باره از مردم گرفته نمی‌شوند؛ کم‌کم، لایه‌لایه و در سکوت فرسوده می‌شوند. برای همین اگر نسبت به این شکاف‌ها بی‌تفاوت بمانیم، فردا دیگر فقط درباره اینترنت حرف نمی‌زنیم؛ درباره جامعه‌ای حرف می‌زنیم که در آن، دسترسی، آزادی و حتی حق دیده‌شدن هم طبقاتی شده است.

برای عادی‌سازی نابرابری و پذیرفتن شکاف طبقاتی به‌عنوان وضعیت‌یطبیعی واجتناب‌ناپذیراست.

با این‌همه فشار اجتماعی، با این‌همه اعتراض و نگرانی، عجیب‌ترین بخش ماجراسکوت و بی‌مسئولیتی نهادهایی است که باید پاسخ بدهند. نه دولت پاسخ‌روشنی می‌دهد، نه نهاد‌های مرتبط، هرکدام توپ را به زمین دیگری می‌اندازد و نهایتاًیک جمله تکراری تحویل جامعه داده می‌شود: «در حال بررسی هستیم.»

این «درحال رسیدگی»‌ها بیشتر شبیه یک ژست اداری است تا یک پاسخ واقعی. هر بار که این جمله تکرار می‌شود، بیشتر این حس شکل می‌گیرد که اساساً مسئله برایشان جدی نیست. انگار فقط باید زمان بگذرد تا حساسیت افکار عمومی فروکش کند.

اما مسئله‌ای که به شأن و حق دسترسی مردم گره‌خورده، با چند جمله مبهم و وعده‌های معلق حل نمی‌شود. اگر قرار است درباره اینترنت تصمیم‌گرفته شود، دست‌کم باید با صداقت و شفافیت با جامعه حرف زد.

وگرنه نتیجه از همین حال حاکم قابل‌دیدن است؛ جامعه‌ای که مدام سؤال می‌پرسد؛ اما هیچ پاسخ روشنی نمی‌گیرد، کم‌کم به این نتیجه می‌رسد که صدایش اساساً شنیده نمی‌شود و وقتی

همیشه برای یک عده «استثنا» قائل بوده. همان ذهنیتی که قانون‌برابری مردم می‌خواهد وراره‌فرار برابری خواص نگه می‌دارد. از ترافیک و اقتصاد گرفته تا رسانه و حال‌اینترنیت.

اینترنتی پروفقط یک سرویس اینترنت نیست؛ نماد یک طبقه ممتاز دیجیتال است. طبقه‌ای که قرار است سریع‌تر ببیند، راحت‌تر کند، آزادتر بگردد و کمتر محدود شود. در مقابل، اکثریت جامعه باید پشت فیلترها تقلا کنند، با اتصال ناپایدار کانر کند و هر روز بیشتر به این وضعیت عادت کنند.

ک خطر دقیقاً همین «عادت» است

جامعه‌ای که به تبعیض عادت کند، دیروزاد تحقیر را هم به بخشی از زندگی روزمره‌اش تبدیل می‌کند. امروز اینترنت طبقاتی، فردا آموزش طبقاتی، پس‌فردا درمان طبقاتی؛ چیزی که متأسفانه نشانه‌هایش همین حالا هم دیده می‌شود. بعدتر شاید خود حق زندگی، «اینترنت پرو» فقط یک پروژه فنی نیست؛ تمرینی تدریجی

^[1] عارف: «اتوبان» را به خاطر یک راننده متخلف نمی بندند

^[2] عارف: «اتوبان» را به خاطر یک راننده متخلف نمی بندند

خراسان رضوی |

نابودی ابدی آبخوان‌های مشهد

صدقی- رئیس کمیسیون آب و محیط‌زیست اتاق بازرگانی خراسان رضوی با هشدار نسبت به وضعیت فیزیکی دشت مشهد، گفت: برداشت بی‌رویه باعث شده لایه‌های آبرفتی زیرزمینی تحت فشار قرار گرفته و ظرفیت خود را برای همیشه از دست بدهند و حفر چاه‌های جدید، لزوماً آب تولید نمی‌کند، بلکه تنهاسرعت نابودی منابع باقی‌مانده وگسترش فرونشست تا ۱۰درصد دشت را تسریع می‌کند.

محمد علایی در خصوص وضعیت بحرانی منابع آب در خراسان رضوی و دشت مشهد، اظهار کرد: ورشکستگی آبی توصیف دقیقی از شرایط کنونی منابع آب در این استان است.

ابعاد این فاجعه زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در مجموع ۳۷ محدوده مطالعاتی در استان، ۳۴ محدوده دچار ورشکستگی کامل شدند. این بحران بزرگ‌ترین تهدیدی است که فرهنگ و تمدن ایران در طول تاریخ کهن خود با آن مواجه بوده و پیامدهای آن، به‌مراتب سهمگین‌تر و غیرقابل جبران‌تر از تهاجمات تاریخی مانند حمله چنگیز، اسکندری اعراب است؛ چراکه جنگ‌ها روزی به پایان می‌رسند، اما نابودی آبخوان‌های زیرزمینی یک پدیدهٔ بازگشت‌ناپذیر و همیشگی است.

او دشت مشهد را در شرایطی استثنایی و بی‌همتا در سطح جهان توصیف کرد و افزود: طبق داده‌های ارائه‌شده، در سطح جهانی به طور میانگین ۷۰ درصد آب برای کشاورزی، ۱۰درصد برای شرب و ۲۰درصد برای صنعت و خدمات مصرف می‌شود. این نسبت در ایران نیز برای شرب همان ۱۰درصد است، اما برای کشاورزی تا ۸۵ درصد و برای صنعت تنها پنج درصد گزارش شده است.

اصفهان |

خیز بلند نصف جهان برای فتح قله‌های گردشگری

بهره‌برداری از ۳ همت پروژه گردشگری با نگاه تحول‌آفرین استاندار اصفهان

منصور گلناری، اصفهان - افتتاح هم‌زمان دو پروژه گردشگری با اعتباری بالغ بر ۳ همت، نشان داد که استاندار اصفهان باتکیه‌بر مدیریت هم‌افزا، توانسته است پروژه‌های کلان گردشگری را به نقطه بهره‌برداری برساند؛ اقدامی که تحسین وزیر میراث‌فرهنگی را نیز در پی داشت.

دکتر مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان با نگاهی راهبردی و رویکردی تحول‌گرا، با تحقق بهره‌برداری از سه همت پروژه زیرساختی گردشگری در یک روز، نشان داد که توسعه صنعت توریسم در استان، نه در کلام، بلکه در میدان عمل و یا شتابی جهشی در حال پیگیری است.

این اقدامات، نتیجه تمرکز ویژه مدیریت ارشد استان بر «اقتصاد گردشگری» است که با فراهم‌سازی بسترهای سخت‌افزاری، هم‌گرای ظرفیت‌ها و تسهیل مسیر برای سرمایه‌گذاران، اصفهان را در مسیر تبدیل شدن به قطب بی‌رقیب گردشگری در کشور و منطقه قرار داده است.

در همین راستا، افتتاح هتل سیزن در شهرک سلامت، نمادی از تدبیر استاندار برای جهت‌دهی به ظرفیت‌های بخش خصوصی است. دکتر



پیام ایران |

نگرانی از بی‌آبی بخش‌های جنوبی هورالعظیم

عامری- رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره کل حفاظت محیط‌زیست خوزستان از آبیگری بخش وسیعی از بخش عراقی تالاب هورالعظیم خبر داد و گفت: آبیگری بخش عراقی تالاب هورالعظیم، نوبد کاهش آتش‌سوزی‌ها را می‌دهد؛ اما نگرانی اصلی در بخش‌های جنوبی تالاب شامل مخازن ۳، ۴ و ۵ است که آبیگری مناسبی ندارند.

موسسی مدحجی با اشاره به آخرین وضعیت آبیگری تالاب‌های خوزستان اظهار کرد: میزان آب ورودی به تالاب شادگان در شش‌ماهه اول سال آبی (مهر تا اسفند) ۲۳ درصد بوده که با احتساب بارش‌های فروردین و نیمه اردیبهشت، ۵۳درصد از حق‌آبه آن تأمین شده است. تأمین حق‌آبه تالاب هورالعظیم نیز حدود ۶۰درصد و بامدژ نزدیک به ۹۰درصد است.

او افزود: در حال حاضر میزان آبیگری تالاب شادگان ۹۳ درصد، هورالعظیم ۵۹ بامدژ ۹۳درصد اعلام شده است.

رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره کل حفاظت محیط‌زیست خوزستان گفت: میزان آبیگری دیگر تالاب‌هاکه عمدتاً از بارش تغذیه می‌شوند افزایشی بوده است به‌گونه‌ای که میزان آب فعلی در تالاب میانگران ۹۳درصد، بندون ۶۷درصد و شیمبار ۱۰۰درصد است.

مدحجی در ادامه با اشاره به میزان کم آبیگری تالاب هورالعظیم بیان کرد: استراتژی وزارت نیرو برای حفظ بیشترین ذخیره سدها به‌منظور مدیریت گرمای هوا و کشت تابستان این است که خروجی سد کرخه را نزدیک به صفر نگه داشته است و آب مازاد حوضه آبریز دز را از طریق کانال دز به کرخه (حدود ۴۰ مترمکعب بر ثانیه) باکیفیت پایین‌تر هدایت می‌کند. از سوی دیگر، بارش‌های حوضه کرخه نیز مطلوب نبوده است.

استاندار همدان:

تأمین مسکن بزرگ‌ترین اقدامات در جبهه اقتصادی و معیشتی مردم است

پرویزی سالار- استاندار همدان، در جلسه شورای تأمین مسکن استان با تأکید بر ضرورت خانه‌دارشدن اقشار کم‌درآمد، حوزه مسکن را یکی از خرشهرهای پیش رو در جهاد اقتصادی کشور دانست و گفت: با هرزحمتی که شده، نباید اجازه دهیم خانواده‌های ضعیف بدون مسکن بمانند.

به گزارش پیام ما، حمید ملانوری شمسی استاندار همدان، در جلسه شورای تأمین مسکن استان با دفاع گرامیداشت یاد و خاطره شادادت‌های رزمندگان دفاع مقدس اظهار کرد: سوم خرداد یک الگو برای فتح خرمشهرهای بعدی است و امروز یکی از این فتح‌ها، حل مسئله مسکن به ویژه برای اقشار کم‌درآمد است.

او با اشاره به تأکیدات نظام بر تأمین سرپناه برای همه خانواده‌های ایرانی، افزود: سال‌هاست گروه‌هایی از اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه، علی‌رغم طرح‌ها و حساب‌های مختلف حوزه مسکن، هنوز از داشتن مسکن مناسب محرومند؛ درحالی‌که تأمین حداقل یک واحد مسکونی برای هر خانواده ایرانی، از اهداف عدالت اجتماعی و رسیدگی به محرومان و مستضعفان است.

استاندار همدان با اشاره به شرایط جنگ اقتصادی و فشار دشمن بر معیشت مردم تصریح کرد: دشمن وقتی در میدان‌های دیگر به هدف نرسیده، فشار را بر اقتصاد و معیشت مردم متمرکز کرده است؛ بر بازار تولید، عرخه و زیرساخت‌ها فشار می‌آورد تا قدرت خرید مردم کاهش یابد و باید با افزایش قدرت خرید مردم اثر تورم را کاهش دهیم که بخشی مهم از این کار، از مسیر حل مشکل مسکن می‌گذرد.

ملانوری شمسی بر ضرورت تشکیل منظم و مستمر جلسات حوزه مسکن تأکید کرد و گفت: من بارها گفته‌ام و باز هم تکرار می‌کنم که به هر نحو هم شده باید این

یزد |

افتتاح موزه آب و قنات اردکان روایتی از هوش تاریخی ایرانیان

رحیمدل- مدیر موزه‌های استان یزد با اشاره به راه‌اندازی موزه آب و قنات در اردکان، این موزه را فرصتی عنوان کرد تا نسل جدید باهوش و نبوغ پیشینیان خود در مدیریت منابع آبی آشنا شوند.

الهه الوندیان در حاشیه مراسم افتتاح موزه آب و قنات شهرستان اردکان که باهدف معرفی دانش بومی مدیریت آب و پاسداشت هویت تاریخی این منطقه راه‌اندازی شد، درگفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: اردکان به واسطه قرارگیری در حاشیه کویر، پیوندی ناگسستنی با دانش آب و قنات دارد و افتتاح این موزه فرصتی است تا نسل جدید باهوش و نبوغ پیشینیان خود در مدیریت منابع آبی آشنا شوند.

او افزود: قنات نماد مشارکت وتعاون در فرهنگ ایرانی است ودر این موزه تلاش شده تا فضای

سخت حفر قنات به یک روایت فرهنگی تبدیل شود.

الوندیان ابراز امیدواری کرد که این مکان به پایگاهی برای پژوهشگران مردم‌شناسی و تاریخ آب تبدیل شود و پیوندی میان دانش سنتی وراهکارهای نوین مدیریت بحران آب برقرار کند.

جواد قانعی اردکانی مدیر موزه آب و قنات نیز در حاشیه این مراسم درگفت‌وگو با ایسنا، این موزه را رویانگر تلاش‌های طاقت‌فرسای مقنبان برای دسترسی به آب در عمق زمین خواند و تصریح کرد: در این مجموعه، ابزارهای شاخصی همچون «دل»، «کلنگ»، «قطب‌نما» و «چرخ وچاه» گردآوری شده تا بازدیدکنندگان از نزدیک با ادواتی که درحفر و بهره‌برداری از قنات کاربرد داشته‌اند، آشنا شوند.

همدان |

استاندار همدان:

تأمین مسکن بزرگ‌ترین اقدامات در جبهه اقتصادی و معیشتی مردم است

افراد را خانه دار کنیم؛ این وظیفه اصلی ماست و نباید از آن عبور کنیم.

استاندار همدان با اشاره به نقش اقشار و گروه‌های مختلف در حل مسئله مسکن افزود: جامعه کارگری، طلاب، نیروهای مسلح، فرهنگیان، هنرمندان، روزشکاران، اصحاب رسانه و دیگر اقشار، هرکدام متولیان دارند که باید ضعیف‌ترین افراد تحت پوشش خود را شناسایی و برای تأمین مسکن آنان برنامه‌ریزی و پیگیری کنند. این یکی از بزرگ‌ترین اقدامات در جبهه اقتصادی و معیشتی است.

ملانوری شمسی با اشاره به اهمیت عزم جدی برای تسهیل امور اداری و بانکی در مسیر ساخت و تأمین مسکن گفت: هنر ما این است که موانع را در جلسات مشترک، سریع و قاطع حل کنیم تا خانواده‌ها خانه‌دار شوند.

او با دعوت از همه دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط برای استفاده از همه ظرفیت‌ها، تأکید کرد: از نظام‌مهندسی به‌عنوان نماینده بخش خصوصی، ستاد اجرایی فرمان امام، کمیته امداد، بهزیستی، بنیاد مسکن، نیروهای مسلح، گروه‌های جهادی، بسیج سازندگی و سایر دستگاه‌ها می‌خواهیم که با تمام توان پای‌کار بیایند تا در تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد، استان همدان را به استانی پیشتاز و پیش‌گام تبدیل کنیم.

استاندار همدان با اشاره به وجود انتقاده‌ها و حاشیه‌ها در مسیر اقدامات جدی گفت: هرچا کار با سرعت و جدیت پیش می‌رود، انتقاده‌ا و حاشیه‌سازی‌ها هم بیشتر می‌شود؛ اما نباید از این فضا دلسرد شد. این مسیر، مسیر جهاد فی‌سبیل‌الله است و خدمت به بندگان خدا، به‌ویژه کمک به بلندکردن قشر ضعیف جامعه، از بازرش‌ترین خدمات است.

۶. تقاضای «نادر زند لشنی» فرزند «خدا رجم» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۳۰۸۷۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۳» فرعی از «۹۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»
۴. تقاضای «علیرضا آبکتی» فرزند «علی حسن» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۲۷۱۱۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۴» فرعی از «۹۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»
۵. تقاضای «نادر زند لشنی» فرزند «خدا رجم» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۷۲۷۸،۸۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۲» فرعی از «۸۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدحسین کمره فرزند قربانی»
۹. تقاضای «حمید اسداللهی» فرزند «رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۱۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۰۵» فرعی از «۶۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدحسین کمره فرزند قربانی»
۸. تقاضای «حمید اسداللهی» فرزند «رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۱۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۰۶» فرعی از «۶۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدحسین کمره فرزند قربانی»
۶. تقاضای «حمید اسداللهی» فرزند «رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۱۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۰۷» فرعی از «۶۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدحسین کمره فرزند قربانی»
۷. تقاضای «حمید اسداللهی» فرزند «رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۱۷۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۰۵» فرعی از «۶۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدحسین کمره فرزند قربانی»
۸. تقاضای «لیلا نیک‌آبادی» فرزند «عیدی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۱۹۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۰۴» فرعی از «۶۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدحسین کمره فرزند قربانی»
۱۰. تقاضای «علیرضا آبکتی» فرزند «عیدی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۱۹۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۰۴» فرعی از «۶۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدحسین کمره فرزند قربانی»
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰
رضا افروغ
سرپرست اداره ثبت‌اسناد واملاک
شهرستان دورود
شناسه‌آگهی: ۲۱۸۷۳۴۲

مالکیت اولیه «عیدی لطفی سگوند»
۴ - تقاضای «آقای امیدعلی عظیمی فر» فرزند «صدید علی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۳۴۹,۸۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۱۴» فرعی از «۳۳» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صدید علی سگوند»
۵ - تقاضای «آقای حامد حافظی» فرزند «شکرائته» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۶,۵۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۸» فرعی از «۱۲» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»
۶- تقاضای «آقای علی حسن روئین» فرزند «حسن» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۴۸۲,۶۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳۴» فرعی از «۳» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «بزرگ بیرانوندی»

خبر |

سایت گردشگری و تفریحی دریاچه ارومیه احداث می‌شود

آذربایجان غربی، خادم مؤمنی - مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی آذربایجان غربی گفت: بسترهای لازم برای ایجاد جذابیت‌های گردشگری در ساحل دریاچه ارومیه با احداث یک سایت تفریحی و گردشگری فراهم شود. مرتضی صفری اظهار کرد: باتوجه‌به بهبود وضعیت دریاچه ارومیه، مقرر شد با همکاری دستگاه‌های متولی، بسترهای لازم برای ایجاد جذابیت‌های گردشگری در ساحل این دریاچه با احداث یک سایت تفریحی و گردشگری فراهم شود تا این محور علاوه بر نقش راهبردی، به مکانی برای بازدید و اقامت گردشگران تبدیل شود. او در ادامه با تأکید بر اهمیت بازگشت حیات به اکوسیستم منطقه، خاطرنشان کرد: ایجاد این سایت تفریحی در ساحل دریاچه، تنها یک پروژه عمرانی نیست، بلکه گامی استراتژیک برای تبدیل‌شدن این پهنه آبی به یک قطب گردشگری پایدار است که می‌تواند با بهره‌گیری از مناظر طبیعی منحصربه‌فرد، پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه را به شکلی چشمگیر ارتقا دهد. صفری تصریح کرد: هدف ما ایجاد زیرساخت‌هایی است که علاوه بر فراهم‌کردن امکان اقامت و بازدید گردشگران، با رعایت استانداردهای محیط‌زیستی، از آسیب به حريم دریاچه جلوگیری کند؛ به‌گونه‌ای که این محور گردشگری بتواند به بخشی جدایی‌ناپذیر از زنجیره صنعت گردشگری کشور تبدیل شود.

مدیرکل سرمایه‌گذاری گیلان:

مدیرکل سرمایه‌گذاری گیلان: یک‌همت تسهیلات خرید برگ سبز چای تخصیص یافت

گیلان، نوبری - مدیرکل هماهنگی امور سرمایه‌گذاری و اشتغال استانداری گیلان از پیش‌بینی و تخصیص یک‌همت تسهیلات سرمایه در گردش برای تأمین مالی کارخانه‌ها برای خرید برگ سبز چای خبر داد.

یونس ریجنش در جلسه هماهنگی بانک‌ها با مدیران اجرایی مرتبط و سازمان چای اظهار کرد: این تسهیلات از محل منابع رونق تولید و باتوجه‌به دستور استاندار گیلان در پی درخواست مدیران برای تأمین نقدینگی کارخانه‌های چای‌اختصاص یافته‌است. او افزود: متقاضیان با ارائه درخواست از طریق سازمان چای در معرفی به بانک‌ها و تأیید کارگروه رونق تولید از این تسهیلات برخوردار می‌شوند که این تسهیلات سرمایه در گردش رونق تولید با بازپرداخت یک ساله و بهره ۳درصد می‌باشد. مدیرکل هماهنگی امور سرمایه‌گذاری و اشتغال استانداری گیلان ادامه داد: بر اساس آمار ارائه شده از سوی سازمان چای باتوجه‌به شرایط جوی مناسب میزان تولید برگ سبز چای نسب به سال قبل بهتر است و از افزایش برخوردار است.

نوبت اول

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

شهرستان دورود - سری (۵۵۶) جمعی

و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .
۱. تقاضای «رجم خدا دلوندی» فرزند «علی حسن» نسبت به «شش‌دانگ یک باب ساختمان (محل انبار)» بمساحت «۹۸۶,۳۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۳۴» فرعی از «۱۲۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسین و پرویز سگوند فرزندان عزیز اله»
۲. تقاضای «خلیل اله دلوند» فرزند «حیدر کی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۲۲۵۱,۶۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷۲» فرعی از «۱۲۲» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کرامت اله موسوی فرزند علی حیدر»
۳. تقاضای «علیرضا آبکتی» فرزند

نوبت اول

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

شهرستان خرم‌آباد - سری (۱,۲۴۰) جمعی

و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .
۱ - تقاضای «آقای ابراهیم لطفی‌نیا» فرزند «عیدی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۵۱۲,۹۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷» فرعی از «۴» اصلی واقع در بخش «۶» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عیدی لطفی سگوند»
۲- تقاضای «آقای ابراهیم لطفی‌نیا» فرزند «عیدی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۷۲۵۵,۵۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸» فرعی از «۴» اصلی واقع در بخش «۶» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عیدی لطفی سگوند»
۳- تقاضای «آقای ابراهیم لطفی‌نیا» فرزند «عیدی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۴۲۵۵,۵۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶» فرعی از «۴» اصلی واقع در بخش «۶» خروجی از مالکیت



آیین یادبود «جلال خالقی مطلق» در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد

نگاه‌دارنده کاخ بلند نظم پارسی

پیام ما | «جلال خالقی مطلق» بیش از نیم قرن از زندگی‌اش را صرف تصحیح و پژوهش بر «شاهنامه فردوسی» کرد؛ کاری سترگ که روزها پس از درگذشتش در غربت، بار دیگر اهل فرهنگ و ادب را در سوگ یکی از مهم‌ترین شاهنامه‌پژوهان معاصر گرد هم آورده است. آیین یادبود او با عنوان «راوی حکیم طوس»، عصر یکشنبه، سوم خرداد، در «مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی» برگزار شد و استادان و پژوهشگران از میراث علمی و ایران‌دوستی او سخن گفتند.

«ژاله آموزگار»، استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در این برنامه گفت: «خوشبختانه این سعادت را داشت که در دوران زندگی‌اش قدش شناخته شده بود و کار و تلاش‌هایش مورد توجه نخبگان پیر و جوان دوستش داشتند و از شهرت نیک فرهنگی برخوردار بود. صادقانه تمام عمرش به ایران اندیشید و در راه اعتلای آن کوشید.» سپس «علی‌اشرف صادقی»، استاد ادبیات دانشگاه تهران و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی گفت گمان نبرید که کار تصحیح شاهنامه تمام شده است؛ «این کار سال‌ها ادامه خواهد یافت و زوایا و مکاتب ادبی و روان‌شناختی و

یادداشت

نقدی بر رویکرد تلویزیون در روزگار نیاز به امید

تلخی به کام مردم از قاب شبکه «تماشا»



عبدالرضا عابدیان | پژوهشگر فرهنگی

کاهلی در نوشتن مشق شب فرزندش باشد؛ پس تکلیف در ذهن کیارستمی یک ارزش و همچنین یک ابزار برای یادگیری است. او برای این که بفهمد چرا این ارزش نادیده گرفته می‌شود به مدرسه پسرش می‌رود. مدرسه‌ای که اغلب دانش‌آموزان مورد مصاحبه قرار گرفته خود می‌گویند پدر و مادرشان بی‌سواد هستند و حتی نمی‌توانند به این‌ها دیکته بگویند. مدرسه‌ای که علاوه بر همه آن پدران و مادران بی‌سواد، پدر دانش‌آموزی را نیز دارد که در آن اراده می‌کند تا از جانش آموزشی به وجود آمده برای پسرش، فیلمی بسازد. با این اوصاف به نظر می‌رسد کارگردان مشهور ما نیتی دیگر از انتخاب این مدرسه دارد. او دوربین را در یک اتاق به نظر تنگ و تاریک



می‌کارد و روی صندلی می‌نشیند تا این بچه‌های معصوم را انگار به قضاوت بشیند و یا زندانه با پرسشی، گاهی جزئیاتی از روابط خانوادگی دانش‌آموز را نیز نقادی کند. دانش‌آموزان خردسال و حتی پسر کیارستمی (بهم) وارد می‌شوند. او از تکنک آن‌ها می‌پرسد که چرا مشق شب خود را ننوشت‌اند. بعضی‌ها فکر می‌کنند کیارستمی از مقامات است که برای توبیخ آمده و به همین دلیل تسویه‌دور و نیز می‌گویند. آنچه من از ژانر «مستند» می‌فهمم مستند روایت یک «واقعیت» است. اگر گزینشی در راش‌ها و صحنه‌ها صورت بگیرد دیگر چندان قابل‌استناد نیست؛ چراکه در آن، واقعیت در جهت ذهنیت کارگردان دست‌ورزی و مهندسی شده است. حال پرسش من این است که فارغ از دغدغه کارگردان، پس از دیدن این فیلم مخاطب به چه نتیجه‌ای می‌رسد. آن چه پس از مشاهده واقعیتی که کارگردان آن را رقم زده است احساس می‌شود بیچارگی، فلاکت و بدبختی و عقب‌ماندگی است. یکی از مستندسازان تلویزیونی در دهه شصت می‌گوید: «در بحبوحه مصاحبه‌های کیارستمی با دانش‌آموزان که بعضاً آن همه در زندگی خصوصی و خانوادگی مردم ریز می‌شود در هنگامی که عرق شرم بر تن آدم می‌نشیند، ناگهان سروکله دو نفر آقای «دزفکنکه» و «مبادی‌آدب» و شسته‌رفته و تمیز و ادکلن زده و خوش‌صحبت پیدا می‌شود که شروع به موعظه می‌کنند و قصدشان این است که ما را متوجه پیشرفت‌های تکنیکی قرن بیست و یکم بفرمایند؛ حذف مشق شب و استفاده از کامپیوتر در امر آموزش و یک‌مشت مشهورات کلیشه‌ای به سبک «اطلاعات جوانان» و «زن‌روز» و هفته‌نامه «بشیر»؛ فارغ و منفک از همه مسائلی که کشوری چون ما و سایر

پیش از نیم قرن از لحظه لحظه زندگی پرثمر خود را بر سر شاخ هرجه بیشتر و بهتر شاهنامه فردوسی نهاد. اگر فردوسی طوسی، فرزانه بزرگ ایران‌زمین، بیش از هزار سال پیش، کاهی بلند از نظم پارسی پی افکند، زنده‌یاد جلال خالقی مطلق یکی از بهترین و شایسته‌ترین نگاه‌دارندگان آن کاخ باشکوه بود.» به گفته او، خالقی از هنگامی که شاهنامه را همچون هدف زندگی خود برگزید، تا واپسین دم کوشید با توجه به نسخه‌های معتبر و قابل‌استناد شاهنامه و مطالعات و بررسی‌های جانی، از پژوهش‌های زبانی و لغوی تا تحقیقات حماسی و اسطوره‌ای، شاهنامه را تا حد ممکن، برکنار از انبوه تحریفات و تصرفات کتابیان و ابیات الحاقی به دل‌بستانگان زبان فارسی و فرهنگ ایرانی عرضه کند؛ «کار شاهنامه، به راستی عزم و همتی همچون خود فردوسی می‌طلبد و اگر صاحب همتی عزم کار شاهنامه دارد، باید مانند شاعر بزرگوار این منظومه شگفت‌انگیز همه زندگی راوقف آن کند.» موسوی بجنوردی درباره اهمیت کار خالقی ادامه داد: «او در طول زمان کوشید شرایط تحقق هدف بزرگ خویش را هر چه بیشتر و بهتر در خود گرد آورد و اینک انبوه یادداشت‌ها و مقاله‌ها و از همه مهم‌تر متن شاهنامه تصحیح شده و بهترین گواه برای داری است. با کوشش پنج‌ساله او اینک دلبستانان به این منظومه بلند و شاهکار بی‌مانند بشری، متنی مشفوط‌تر در دست دارند و با خاطری آسوده‌تر می‌توانند آن را اساس مطالعات و

یادداشت

کشورهای استعمارزده در آن قرار دارند؛ یک شعار ظاهر غیرسیاسی که بلافاصله سیاسی می‌شود، چرا که بعد از مصاحبه آن آقایان ضدغفونی شده، در پلان بعد بچه‌ها را می‌بینیم که دایزه شعر می‌دهند: «اسلام پیروز است، شرق و غرب نابود است.» و مجموعه قرائن و شواهد در فضای عمومی فیلم به‌گونه‌ای فراهم شده که این طرفی‌ها را مشخص‌کننده نشان دهد و به آن طرفی‌ها با استهزا بگوید که: «... اینها هنوز به شعراهای کهنه خودشان چسبیده‌اند!» البته معلوم نیست که آدم‌های تحصیل کرده مبادی‌آدب مدرنیته، چطور است که فرزندان خود را به همان مدرسه‌ای فرستاده‌اند که دانش‌آموزان آن وابسته به افشار ضعیف و سنتی جامعه هستند.» (تمام ویژگی‌های عقب‌ماندگی را در این) اگر به اندازه ایشان (مرتضی آوینی) تلخی نکنیم حداقل این است که در مشق شب، تفکر ساختارشکنانه کیارستمی هشداری است به سیستم معرفتی مسلط. دریافت سردستی مخاطب از فیلم این است که مکلف کردن کودکان دبستانی به نوشتن مشق شب، کارایی خود را از دست داده است. این شیوه اجباری در نوشتن حجم زیادی از مشق و تکلیف شب به‌جای کمک به آموزش، برعکس عمل می‌کند. برخلاف آنچه دانش‌آموزان در برابر هیبت کیارستمی و استنطاق او می‌گفتند، آن‌ها علاقه‌مند به خواندن درین و انجام تکلیف نبودند. برخی از آن‌ها اعتراف کردند که در خانه تنبیه بدنی شده‌اند حتی با کمر بند. یکی از آنان هم گفت که بزرگ‌تراها حق دارند که ما را تنبیه کنند. در برابر این سؤال کیارستمی که آیا تابه‌حال تشویق شده‌اند؟ پاسخ آن‌ها منفی بود. حتی بیشتر آن‌ها نمی‌دانستند که تشویق یعنی چه؟! کیارستمی در اواخر فیلم به حیاط مدرسه‌رفته و نشان می‌دهد که معلم پرورشی نوحه می‌خواند و دانش‌آموزان عزاداری می‌کنند. او از نزدیک از برخی از دانش‌آموزان در شیطنت می‌کنند فیلم می‌گیرد و سپس روی فیلم با صدای خود می‌گوید که با همه دقت و مراقبتی که مسئولین مدرسه برای برگزاری درست این مراسم انجام

می‌دادند؛ اما به دلیل بازیگوشی و عدم درک درست بچه‌ها این مراسم آن‌طور که شایسته است انجام نمی‌شد و لذا برای حفظ حرمت، صدای فیلم را حذف کردیم. این کار او مجدداً چیز دیگری به ذهن می‌آورد. من فکر نمی‌کنم که کیارستمی دغدغه درست برگزاریش در نوحه‌خوانی در مدرسه را داشت؛ بلکه نمایش شیبتن بچه‌ها هنگام سینه‌زنی دست‌مایه شکل‌گیری این ذهنیت در مخاطب است که مدرسه جای عزاداری نیست، بلکه جای صادی و بازی است و یا اینکه ببینید که بچه‌ها با گفتمان مسلط مشکل دارند و با آن ارتباط نگرفته‌اند. به این ترتیب کارگردان موفق می‌شود به شما القا کند که شما این‌ها هستید. این خانواده شماس است و این وضعیت مدرسه شماس است و اینجا ایران است. او شعرا را با این سؤالات درگیر می‌کند و اشک شما را از تاریکی و یاسی که مشق شب به خورد شما می‌دهد، در می‌آورد. و اما سؤال من: همه این‌ها به کنار، اینک در سال ۱۴۰۵ در این بحبوحه که همه نیازمند روحیه‌ایم و درگیر این که مرمت تلخی ایران می‌مردم و آبادانی و سازندگی ایران پس‌انجنگی چگونه میسر است، هدف از تلخ کردن مذاق مخاطب چیست؟ آیا صداوسیما با حرفی که کیارستمی می‌زند موافق است؟ اگر نیست پس دلیل پخش این فیلم چیست؟ نقدی بر نظام آموزشی؟ آکه چه؟...

اطلاع رسانه

«در مسیر فتح»؛ روایت حماسه آزادسازی خرمشهر در سنگر تولید پالایشگاه شازند

خرمشهر و بیت‌المقدس، بیان داشت: خرمشهر نماد قدرت امت واحد است و دشمن که روزگاری می‌خواست خرمشهر را به نمد شکست ما بدل کند، امروز با مشاهده استقامت این ملت، هراسان است؛ چرا که درک کرده است که در برابر تمام ندای استکبار از خاشخ دفاع کرد، بیت‌المقدس را نیز از چنگال تفکر استکباری رها خواهد ساخت.

بین‌الملل پالایشگاه نفت شازند برگزار شد؛ محلی که در آن، مدیران عالی‌رتبه، مهندسان خلاق و کارکنان خدوم در کنار یکدیگر شانه‌به‌شانه می‌ایستادند تا پیوندی ناگسستنی میان «تلاش صنعتی» و «آرمان‌های انقلابی» برقرار کنند.

مراسم با تلاوت قرآن مجید و نوحه‌خوانی آغاز شد و پس از تلاوت نغمه‌آلود وحی توسط قاری ارجمند، جناب آقای سجادی و مدیحه‌سرایی جناب آقای دولت‌آبادی، با اجرای شورانگیز گروه سرود «آوای افلاکیان» حماسه‌ی فتح را در جان حاضران زنده کرد. در پایان، این شور و حال با تجلیل از روزنکاران برگزیده مسابقات دو و میدانی که نمادی از آمادگی جسمانی و روحی خانواده‌ی بزرگ پالایشگاه برای نیل به قله‌های موفقیت بودند، به اوج خود رسید. مشاور فرهنگی پالایشگاه نفت شازند نیز در این آیین، ضمن تعزیت ایام شهادت امام محمدباقر (ع) و گرامی‌داشت سالروز آزادسازی خرمشهر در بیانی فاخر و تحلیلی به ایراء سخن پرداختند.

حجت‌الاسلام غلامحسین شاه‌حسینی با تأکید بر اینکه فتح خرمشهر هرگز یک نقطه پایان نبود، گفت: این رخداد بزرگ، آغازی برای فتح الفتوح بزرگ امت اسلام است؛ روزی که نه تنها یک شهر بلکه روح یک ملت متولد شد تا مسیر خود را از کوچ‌های خونین خرمشهر تا رسیدن به قله‌های مدنظر ولایت هموار سازد.

وی با اشاره به اینکه پیروزی در خرمشهر تجلی برتری محاسبات الهی بر تمامی معادلات دنیایی و تجویزاتی بود، خاطرنشان کرد: فتح حقیقی پیش از آنکه در پهنه‌ی خاک رخ دهد، در دل‌های سربازان از ایمان ملت ایران محقق شد و همین وحدت و ایمان بود که دشمن را در محاسباتش به عقب راند.

مشاور فرهنگی پالایشگاه شازند در ادامه با تبیین نسبت میان

می‌دادند؛ اما به دلیل بازیگوشی و عدم درک درست بچه‌ها این مراسم آن‌طور که شایسته است انجام نمی‌شد و لذا برای حفظ حرمت، صدای فیلم را حذف کردیم. این کار او مجدداً چیز دیگری به ذهن می‌آورد. من فکر نمی‌کنم که کیارستمی دغدغه درست برگزاریش در نوحه‌خوانی در مدرسه را داشت؛ بلکه نمایش شیبتن بچه‌ها هنگام سینه‌زنی دست‌مایه شکل‌گیری این ذهنیت در مخاطب است که مدرسه جای عزاداری نیست، بلکه جای صادی و بازی است و یا اینکه ببینید که بچه‌ها با گفتمان مسلط مشکل دارند و با آن ارتباط نگرفته‌اند. به این ترتیب کارگردان موفق می‌شود به شما القا کند که شما این‌ها هستید. این خانواده شماس است و این وضعیت مدرسه شماس است و اینجا ایران است. او شعرا را با این سؤالات درگیر می‌کند و اشک شما را از تاریکی و یاسی که مشق شب به خورد شما می‌دهد، در می‌آورد. و اما سؤال من: همه این‌ها به کنار، اینک در سال ۱۴۰۵ در این بحبوحه که همه نیازمند روحیه‌ایم و درگیر این که مرمت تلخی ایران می‌مردم و آبادانی و سازندگی ایران پس‌انجنگی چگونه میسر است، هدف از تلخ کردن مذاق مخاطب چیست؟ آیا صداوسیما با حرفی که کیارستمی می‌زند موافق است؟ اگر نیست پس دلیل پخش این فیلم چیست؟ نقدی بر نظام آموزشی؟ آکه چه؟...

می‌دادند، همگی حکایت از میزبانی باشکوه از فاتحانی داشت که عطر شهادت را به جان صحن تزیین کرده بودند.

این آیین باشکوه با عنوان «در مسیر فتح» به مناسبت سالروز آزادسازی خرمشهر «روز مقاومت، ایثار و پیروزی» و به همت پایگاه مقاومت بسیج شهید رجایی و روابط عمومی و امور بین‌الملل پالایشگاه نفت شازند برگزار شد؛ محلی که در آن، مدیران عالی‌رتبه، مهندسان خلاق و کارکنان خدوم در کنار یکدیگر شانه‌به‌شانه می‌ایستادند تا پیوندی ناگسستنی میان «تلاش صنعتی» و «آرمان‌های انقلابی» برقرار کنند.

مراسم با تلاوت قرآن مجید و نوحه‌خوانی آغاز شد و پس از تلاوت نغمه‌آلود وحی توسط قاری ارجمند، جناب آقای سجادی و مدیحه‌سرایی جناب آقای دولت‌آبادی، با اجرای شورانگیز گروه سرود «آوای افلاکیان» حماسه‌ی فتح را در جان حاضران زنده کرد. در پایان، این شور و حال با تجلیل از روزنکاران برگزیده مسابقات دو و میدانی که نمادی از آمادگی جسمانی و روحی خانواده‌ی بزرگ پالایشگاه برای نیل به قله‌های موفقیت بودند، به اوج خود رسید. مشاور فرهنگی پالایشگاه نفت شازند نیز در این آیین، ضمن تعزیت ایام شهادت امام محمدباقر (ع) و گرامی‌داشت سالروز آزادسازی خرمشهر در بیانی فاخر و تحلیلی به ایراء سخن پرداختند.

حجت‌الاسلام غلامحسین شاه‌حسینی با تأکید بر اینکه فتح خرمشهر هرگز یک نقطه پایان نبود، گفت: این رخداد بزرگ، آغازی برای فتح الفتوح بزرگ امت اسلام است؛ روزی که نه تنها یک شهر بلکه روح یک ملت متولد شد تا مسیر خود را از کوچ‌های خونین خرمشهر تا رسیدن به قله‌های مدنظر ولایت هموار سازد.

وی با اشاره به اینکه پیروزی در خرمشهر تجلی برتری محاسبات الهی بر تمامی معادلات دنیایی و تجویزاتی بود، خاطرنشان کرد: فتح حقیقی پیش از آنکه در پهنه‌ی خاک رخ دهد، در دل‌های سربازان از ایمان ملت ایران محقق شد و همین وحدت و ایمان بود که دشمن را در محاسباتش به عقب راند.

مشاور فرهنگی پالایشگاه شازند در ادامه با تبیین نسبت میان



مرکزی، آزاده فراهانی - همزمان با فرارسیدن سالروز آزادسازی خرمشهر، آیین گرامی‌داشت این حماسه ملی با عنوان در مسیر فتح در شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند برگزار شد، در این برنامه که باهدف تبیین روحیه ایثار و مقاومت در فضای صنعتی صورت گرفت، کارکنان این شرکت پالایشی با گرامی‌داشت یاد و خاطره شهدای عملیات بیت‌المقدس بر تداوم حرکت در مسیر خودکفایی و ایستادگی در سنگر جهاد اقتصادی تأکید کردند.

صبح روز یکشنبه سوم خردادماه که نسیم خنک بهاری، غبار خستگی شانه را از پشنانی صنعتی‌ترین قطب منطقه می‌زدود، پالایشگاه شازند جهودای متفاوت به خود گرفت؛ گویی تاریخ در قلب تپنده‌ی صنعت ایران، به عقب بازگشته بود.

هنوز آفتاب پهنه آسمان را نورزیده بود که نواي ماندگار و حماسی «ممد نبود یبیتی» از بلندگوها پخش و در فضای محوطه پچید و خاطره‌ی روزهای سرخ دفاع را با عطر اسپند و گلاب ناب گره زد.

فضای پیرامون مزار شهید کتنامه، به گلستانی از آزادت بدل شده بود؛ گل‌دهان‌های گل که با نظم خاصی درون‌داور مزار چیده شده بودند و پرچم‌های سرنگ ایران که در رقص باد، گویی نغمه‌ی پیروزی سر



مشاور فرهنگی پالایشگاه شازند در ادامه با تبیین نسبت میان